

کارگران و زحمتکشان
متحد شوید



قانون اساسی باید منافع
کارگران، دهقانان،
زحمتکشان و همه خلقهای
ایران را تضمین کند

پنجشنبه ۴ مرداد ۱۳۵۸

قیمت ۱۰ ریال

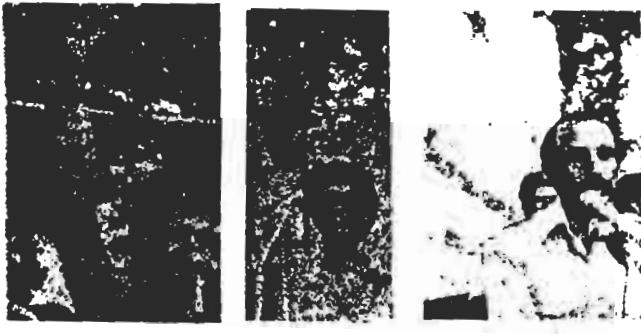
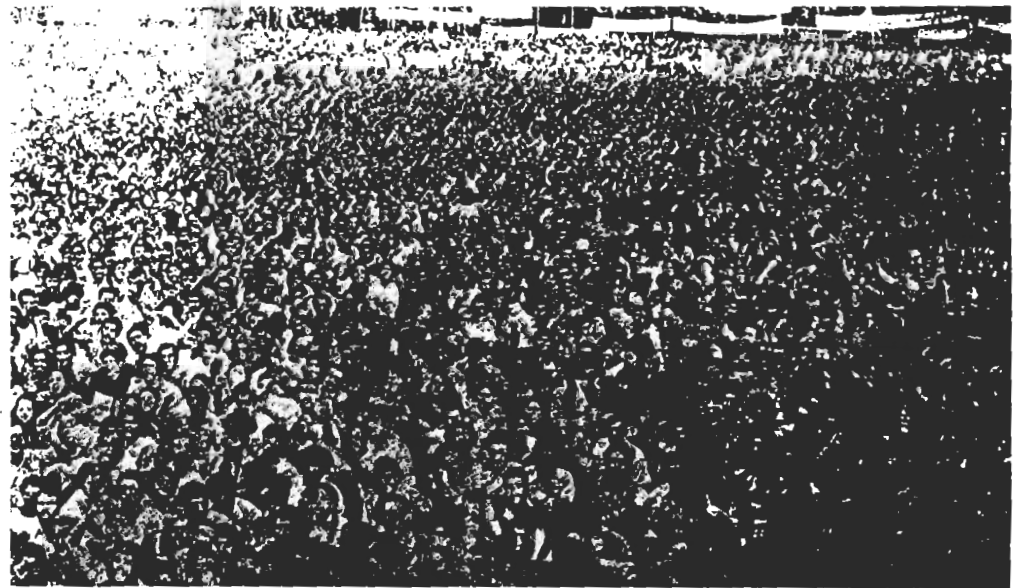
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

سال اول - شماره ۲۲

در میتینگ بزرگ دانشگاه تهران

کاندیداهای سازمان چریکهای فدائی خلق ایران مواضع فدائیان را در قبال انتخابات و قانون اساسی اعلام کردند

● قانون اساسی باید همواره شوراها و نهادهای دمکراتیک
را تقویت کند نه این که آنها را تخریب نموده و از بین ببرد



مصطفی مدنی، رفیقه دانشگری، حشمت‌الله رئیس (کارگر)

شرح مختصری از زندگی رفقای که از طرف
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران به عنوان
کاندیداهای تهران، معرفی شده‌اند

* مصطفی مدنی

رفیق مصطفی مدنی در سال ۱۳۲۳ در
دهکده تولد شد. رفیق مدنی سالهای آخر
دبیرستان را در تهران گذراند.
طی سالهای ۴۱ تا ۴۳ در دبیرستان
دارالفنون که یکی از کانونهای اصلی مبارزات
بود با مسائل سیاسی آشنا شد و پس از قیام
خونین ۱۵ خرداد ۴۳ بابت گروه سیاسی در
ارتباط قرار گرفت اما سر نوشت این گروه نیز مانند
بسیاری از گروههای جدا ازبده آزمان
به بن بست گرایید و عملاً منحل شد و رفیق برای
جستجوی راهی نو دانشکده را رها کرد
و به منظور تحقیقات روستایی در اداره
بستانشناسی به استخدام درآمد و در روستاهای
فارس و کردستان به مطالعه زندگی دهقانان
پرداخت.

در این سخنرانیها گفته شد که قصد ما
از شرکت در این جلسه با این نام است که
بندت آوریم. ما میدانیم که در این مجلس
نمایندگان واقعی مردم حضور نخواهند داشت
و هیچ تسمیه‌ای بفتح زحمتکشان اتخاذ نخواهد
شد. لیکن ما با شرکت در این انتخابات به
افشای ماهیت دولت، ماهیت پیش نویس قانون
اساسی و ماهیت «مجلس خبرگان» خواهیم
پرداخت.

در این گردهمایی بزرگ، سخن از
کاندیداهای فدائیان مصطفی مدنی - رفیقه
دانشگری - حشمت‌الله رئیس - کاندید
و حزبک طی سخنانی نظر چریکهای فدائیس
خلق را درباره مجلس خبرگان و قانون
اساسی اعلام کردند.

بیش از صد و پنجاه هزار نفر برای اطلاع
از مواضع سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
در این مجلس سخنرانی کردند. در این مجلس
های سازمان بعد از ظهر دوشنبه اول مرداد
در زمین چمن دانشگاه تهران و درخیابانهای
اطراف آن گردآمدند.

بیش از صد و پنجاه هزار نفر برای اطلاع
از مواضع سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
در این مجلس سخنرانی کردند. در این مجلس
های سازمان بعد از ظهر دوشنبه اول مرداد
در زمین چمن دانشگاه تهران و درخیابانهای
اطراف آن گردآمدند.

سرمقاله

چرا بجای مجلس مؤسسان، مجلس «خبرگان» را اختراع کرده‌اند؟

با وجود پافشاری‌های فراوان مردم و نیروهای انقلابی برای تشکیل مجلس
موسسان، دولت موقت با نادیده گرفتن خواست مردم، سرانجام «مجلس خبرگان»
را به مردم تحمیل کرد.
ما بارها گفته‌ایم که قانون اساسی باید در مجلس موسسانی که متشکل از
نمایندگان واقعی کارگران، زحمتکشان شهر و روستا و سایر اقشار خلقی باشد
تهیه و تصویب شود. این نمایندگان در صورتی واقعا میتوانند نماینده و سخنگوی
آقشار خلقی باشند که از میان شوراهای کارگران، دهقانان، زحمتکشان و...
برگزیده شده باشند. و در این صورت است که قانون اساسی میتواند دربرگیرنده منافع
حال و آینده اکثریت مردم باشد.

تاریخ نشان داده است که هر جا که انقلابی بوقوع پیوسته اگر کسانیکه
قدرت را به دست گرفتند نماینده واقعی کارگران و زحمتکشان بودند، در انجام
هر امری به نیروی خلق متکی شده‌اند و کارها را از طریق شوراهای مردمی به پیش
برده‌اند، اما برعکس جاتی که پس از قیام مردم نمایندگان طبقات استثمارگر بوسیله
قدرت خزیده و حکومت را در دست خود قبضه کرده‌اند، به نقش توده‌ها در اداره
امور پایان داده در عوض با تمام تلاش به محدود ساختن قدرت و اختیارات توده‌ها
پرداخته‌اند. در اینحال آنها کوشیده‌اند به وسیله ممکن حکومت خود را به مردم
تحمیل کنند.

در مین ما نیز از همان فردای پیروزی قیام کوشش برای خارج کردن
توده‌ها از دایره تصمیم گیرها و شرکت آنها در سرنوشت کشور شروع کردید.
شوراهاییکه دستاورد قیام مردم بودند با دشمنی دولت روبه‌رو شدند دولت با تمام
قوا کوشید، و می‌کوشد این شوراهای را که هنوز در ارتش (شوراهای همافران)، در
کارخانه‌ها، در ادارات، دانشگاه‌ها، روستاها و... وجود دارند، برچیند.
به مردم میگویند شما صلاحیت ندارید در امورتان دخالت کنید. یکنفر
نمایند از طرف دولت یا کمیته‌ها بعنوان قیام شما میفرستیم او هم چیز را حل و
فصل میکند! این شیوه محدود کردن حق شرکت مردم در سرنوشت خویش تا
بدانجا کشیده میشود که در مورد تنظیم قانون اساسی هم آنرا تمیم میدهند.
با این منطق استدلال میشود که لزومی ندارد و اصولاً صلاح نیست که مردم
به اصطلاح عامی بی‌سواد در امور قانونگذاری به مجلس موسسان راه یابند و قانون
اساسی را تنظیم کنند. آنها «صلاحیت» اینکار را ندارند. پس نتیجه آنکه ابتدا
بقیه در صفحه ۲

پیش نویس قانون اساسی ابتدائی ترین حقوق کارگران، دهقانان و دیگر زحمتکشان را نادیده گرفته است

حکومت سخت‌بار تمدن. درین رابطه بود
که کارگران و زحمتکشان مستبدینه و
زجر کشیده خارج از محدوده با آغاز
مبارزات خود در پائیز سال ۵۶ دوره
بقیه در صفحه ۵

شدت گرفتن بحران در اواسط دهه ۵۰
موجب میشد که دیگر شاه و درباریان
نتوانند مانند سابق بحکومت خود ادامه
دهند و توده‌های مردم نیز تن به آن

امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع منطقه دربرابر آرمان خلق فلسطین

از نوروز پیش تاکنون، هر روز شدت تیرها
در جنوب لبنان افزایش یافته است. این جنگ
ها در امتداد نوار جنوبی و برخی مناطق داخلی
منطقه مذکور جریان دارد. نیروهای اسرائیلی
با تمام امکانات خود ام از نیروهای هوایی
و دریایی و توپخانه در جنگ شرکت میکنند.
آنها پیش‌قدمی‌های پیروزی زمین خود را نیز
تحت پوشش نیروهای وابسته به راست‌گرایان
(فالانژست‌ها) وارد عمل کرده، وحشیانه علیه
توده‌های منطقه «جبل عامل» و نیروهای ملی
بقیه در صفحه ۴

ره نمود به هواداران

رفقا
بیش از پنجاه سال از قیام خونین ۲۱ بهمن
میگذرد در این مدت کارگران، دهقانان و
زحمتکشان میهن‌ما، که با قیام خونین و
سلطانه خویش رژیم دیکتاتوری شاه را
سنگون کردند و منتظر تغییرات اساسی در
بقیه در صفحه ۷

تا سرمایه‌داری وابسته برقرار است مسئله مسکن زحمتکشان حل نخواهد شد

در پیش نویس قانون اساسی به هیچ یک از حقوق ابتدائی کارگران و
زحمتکشان اشاره‌ای نشده است.
در پیش نویس بویژه از ابتدائی ترین حقوق یعنی حق داشتن کار و حق
داشتن مسکن مناسب هیچ صحبتی در میان نیست.
به این مناسبت ما مقاله‌ای تحت عنوان «تا سرمایه‌داری وابسته برقرار است
مساله مسکن زحمتکشان حل نخواهد شد» تهیه کرده‌ایم که بخشی از آن را در
این شماره و بخش دیگر آن را در شماره آینده به چاپ می‌رسانیم.
بقیه در صفحه ۵

حکومت سخت‌بار تمدن. درین رابطه بود
که کارگران و زحمتکشان مستبدینه و
زجر کشیده خارج از محدوده با آغاز
مبارزات خود در پائیز سال ۵۶ دوره
بقیه در صفحه ۵

کارگران متحصن را به گلوله بستند

● هفت کارگر در نتیجه تیراندازی افراد کمیته مجروح شدند
در صفحه ۴

دولت انقلابی نیکار اگوئه
برنامه اقدامات فوری خود را اعلام کرد
در صفحه ۷

قانون اساسی باید حافظ دستاوردهای قیام باشد

بقیه سرمقاله

چرا بجای مجلس مؤسسان...

گفتند کافی است یکم. قانون اساسی را در اطاقهای دربسته تنظیم کنند و پس از تصویب شورای انقلاب به هیئتهای بگذارند، سپس وقتی سرورسداها بلند شد و اعتراضات افروز گردید، رضایت دادند که تعداد ۷۲ نفر از «خبرگان» یعنی همان متولیان و قیام‌های مردم که باصلاح انتخابی هم خواهند بود، طرح پیش نویس قانون اساسی را مورد بررسی قرار داده و بتصویب مقدماتی برسانند و سپس به هیئتهای بگذارند. باین ترتیب بجای مجلس مؤسسان که باید به وسیله نمایندگان واقعی مردم نقش تاسیس کننده داشته باشد «شیر بی‌مال و دم و اشکمی بنام مجلس خبرگان» اختراع میکنند.

معلوم نیست از دید اینها قانون اساسی باید چه چیز را ایجاد کند که احتیاج به «خبره» دارد؛ مگر جز این است که قانون اساسی باید روابط و مناسبات جامعه را بر مبنای منافع کارگران و زحمتکشان شهر و روستا و سایر اقشار خلقی تنظیم کرده و تداوم انقلاب را تامین کند؟ پس چه کسانی میتوانند این امر را بانجام رسانند؟ آیا جز کسانی که در قیام مردم شرکت کردند و به انقلاب خلق متقدّم بوده و بمنافع توده‌های زحمتکش مومن باشند؟

این کسان تنها و تنها نمایندگان واقعی مردمی هستند که با شرکت در قیام، فداکاریها و جانپازیهایی نمودند تا اینکه قیام را به پیروزی رسانند. اما از دید مدافعان مجلس «خبرگان» چنین نیست. کافی است کسانی که در امور قانونگذاری، آنچه نوع خاص آن «خبره» باشند بجای نمایندگان واقعی توده‌ها، برای آنان قانون اساسی بنویسند. ولابد همین منطبق را فردا در مورد مجلس شورای ملی هم بیان خواهند کرد. مردم سؤال میکنند مگر این «خبرگان» از قماش همان «خبرگان» نیستند که این پیش‌نویس قانون اساسی را تنظیم کرده‌اند؟ دیگر این پیش‌نویس چیزی جز در خدمت سرمایه‌داران و تثبیت همان سیستم سرمایه‌داری وابسته و نفی حقوق اساسی مردم نیست؟ آیا این قانون حقوق زحمتکشان را تامین کرده است؟ آیا حقوق خلقهای تحت ستم ملی و فرهنگی ما را تضمین کرده است؟ آیا حق مساوی زنان با مردان را در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی تامین کرده است؟ آیا اصولی برای حرکت در جهت قطع کامل نفوذ سیاسی، اقتصادی و فرهنگی امپریالیسم تودین‌نکرده است؟ حال این «خبرگان» می‌خواهند چکارکنند؟ با زمره‌هایی که شنیده میشود و از سخنان این «خبرگان» ظرف چند هفته اخیر نیز معلوم شده است چنین بنظر میرسد که میخواهند همین پیش‌نویس را هم در جهت تثبیت منافع طبقاتی و قشری خود تغییر دهند. بی‌ارت دیگر اگر تنظیم کنندگان پیش‌نویس در نوشتن یک قانون اساسی برخلاف منافع واقعی توده‌های زحمتکش وقت لازم را نداشته‌اند «خبرگان» این امر را بنص «احسن» تکمیل کنند. و در خدمت باین هدف است که از دید هیئت حاکمه کنونی، مجلس «خبرگان» بمجلس مؤسسانی که با تعداد بیشتری نماینده تشکیل شود برتری قابل توجهی دارد. از دید آنان این امتیازات بشرح زیر هستند:

۱- هیئت حاکمه کنونی بجای آنکه با ۷۰۰ نماینده (از هر ۵۰ هزار نفر یک نماینده) روبرو باشد تنها با ۷۲ نماینده روبروست و مسلم است که کنترل این عده بر مراتب آسان‌تر است.

۲- بفر ضریباً گردن ۷۰۰ نفر برای فرستادن بمجلس مؤسسان احتمال آنکه از بین ۷۰۰ نفر نماینده افراد باصلاح ناباب پیدا شوند که حاضر نباشند در بحث فرمانبرداری کنند، وجود دارد. بنابراین به ۷۰۰ نفر نمیتوان اطمینان کرد.

۳- با بالا بردن نصاب هر ۵۰۰ هزار نفر یک نماینده و در اختیار داشتن ریش و قیچی درست خود، داشتن امکانات وسیع تبلیغاتی و رسانه‌های گروهی نظیر رادیو تلویزیون، و امکانات دولتی، هیئت حاکمه با خیال راحت میتواند اطمینان داشته باشد که فقط کاندیدهای خودشان بمجلس «خبرگان» راه یافته و مجلس بی «خبر» تشکیل خواهد داد. در این صورت به احتمال زیاد دیگر کسی پیدا نمیشود که ماهیت این قانون و این مجلس را برای توده‌ها تفسیر کند.

۴- اصولاً با دادن عنوان «مجلس خبرگان» بمجلسی که وظیفه تنظیم قانون اساسی را دارد در ذهن توده‌های ناآگاه، که متأسفانه در شرایط کنونی درسد با لایق را تشکیل میدهند، چنین تلقین میکنند که این مجلس، نباید مجلس نمایندگان کارگران، دهقانان و سایر زحمتکشان و اقشار خلق باشد، بلکه فقط «خبرگان» و «متولیان» و «قیام‌های» آنها و خلاصه افراد باصلاح و باصلاحیت، شایستگی شرکت در آن را دارند و باین ترتیب فکر توده‌ها را از فرستادن نمایندگان بمجلس منحرف کنند. (البته عناصر آگاه بخوبی میداند که هیچ‌کس مثل خود کارگران و زحمتکشان در امور آنها خبره نیست).

۵- اگر نصاب ۵۰ هزار نفر یک نماینده ملاک می‌بود، و آزادی انتخابات هم وجود داشت، آنوقت مسلماً از میان خلقها، کارگران، دهقانان و زحمتکشان، نمایندگان باندازه کافی در مجلس مؤسسان شرکت میکردند که نگذارند هیئت حاکمه آنچه را که منافع طبقاتیشان حکم میکند در قانون اساسی بکنجاند. در حالیکه با این مجلس «خبرگان» این خطر برای هیئت حاکمه وجود ندارد.

۶- با این چنین مجلسی هیئت حاکمه انتظار دارد که هر چه زودتر سروه قضیه قانون اساسی را هم بیاورد چون میدانند گذشت زمان بمسودش نیست و هر روز که میگذرد اولاً تضادهای درونی خودشان تشدید میشود و ثانیاً توده‌های وسیع‌تری از مردم به نایامانی امور، ماهیت هیئت حاکمه، و اینکمی چوآهند انقلاب را در نیمه راه متوقف کنند، می‌خواهند مسیر مبارزات ضد امپریالیستی توده‌های انقلابی مردم را منحرف سازند، بی می‌برند.

اینها علی‌الوجه است که هیئت حاکمه کتونی روى تشکیل مجلس خبرگان بجای مجلس مؤسسان حتی بشکل ناقص آن، اینهمه اصرار ورزید و بالاخره با تحصیل نظرش بمردم آنرا مسجل کرد. شک نیست که آنها از درجه منافع طبقاتی خود باین اقدامات که بزبان خلق است دست زده‌اند. مجسمی که می‌خواهند سرهم‌بندی کنند دقیقاً نفی حاکمیت مردم است.

ما برخلاف کسانی که میگویند مردم حق قانونگذاری ندارند متقدّمیم که فقط کارگران، دهقانان، زحمتکشان و سایر اقشار خلقی یعنی اکثریت جامعه هستند که حق تنظیم، تدوین و تصویب قانون اساسی را دارند. بنظر ما نظر:

بقیه از صفحه ۱

امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع منطقه...

که نقش ارتجاعی آنها و خیانتشان به آرمان فلسطین و همکاری و همدستی آنها با امپریالیسم و فالاتریتها و صهیونیستها در جریان جنگ تل زغر بیش از پیش برخلاف منطقه بویژه خلق فلسطین آشکار شده است. در برابر این تجاوزات آشکار و توطئه‌های ننگین از سوی متلشوم امپریالیسم صهیونیسم و ارتجاع منطقه وظیفه نیروهای واقفانقلابی عبارت است از:

۱- مبارزه در دفاع از انقلاب فلسطین و تودما و سرزمین جنوب لبنان و افشای ماهیت این عوامل توطئه‌گر و خیانتکار و برپاداشتن نقاب از چهره حقیقی و کره آنان. ما هشدار می‌دهیم که جریان حوادث و توطئه صهیونیستی - فالاتریتی یعنی توطئه‌های که از سوی امپریالیزم امریکا دست‌نشاندهگان مرتجعش پشتیبانی میشود، آنگاه افساد گسترده‌ای پیدا کرده است که جز با پشیمان و مواضع مثبت و عملی در پشتیبانی و تأیید و جابه جایش فلسطین، نمیتوان از شرکت در مبارزه با آن توطئه‌ها دم زد. همین جهت تأکید میکنیم که زمان موضع‌گیری‌هایی که در حرف و بدون پشتوانه عمل است سررسیده است.

ما با آگاهی به حقیقت سرنوشت مشترک خلق ما و جنبش‌های منطقه و نیز با درک ماهیت دشمن مشترک، از نیروهای انقلابی می‌خواهیم که به پشتیبانی و دفاع قاطعانه از جنبش انقلابی فلسطین و جنبش مترقی لبنان برخیزند.

دولت موقت تنها تاکنون هیچ اقدامی درحداقل از انقلاب فلسطین انجام نداده‌بلکه با پشتیبانی از گروه امل، عملاً موضع خود را در مقابل جنبش خلق فلسطین نشان داده است. سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، بار دیگر تأکید می‌کند که آماده است با تمام نیرو در کنار خلق‌های قهرمان فلسطین و لبنان با صهیونیسم و نیروهای ارتجاعی بیکارند. دفاع از انقلاب فلسطین و جنبش‌ترقیخواهان لبنان، خواست توده‌های وسیع خلق‌های سراسر ایران است.

مدیرانه در نزدیک شرمک میدا شروع شد و در طول منابع آب موجود در دانه‌های سلطه جبال لبنان امتداد یافته به بل «فرعون» میرسد و از آنجا از خط ناسل بین حبله «فرن» و حبله «تین» گذشته تا پشته‌های شرقی و غربی و جبل شیخ میرسد این عواصم ها همان چیزی است که عواره سرگردان موجودیت صهیونیستی، به هرمانسیتی مستقیماً روی آن‌ها تأکید کرده و میکنند. مثلاً در سال ۱۹۱۸ «بن‌گورون»، کسی که بعدها اولین رئیس دولت اسرائیل شد اظهار داشت حدود شمال دولت اسرائیل باید «جبل شیخ» و امتداد منابع آب آنرا شامل شود. همین گفته او چنین است:

«جبل شیخ سرچشمه منابع آب فلسطین است و نمیتوان آنرا از فلسطین جدا کرد. این سلطه جبال باید تماماً تحت سیطره کسان باشد که فلسطین از آن آنهاست». دایان نیز بدیال شکست اعراب در سال ۱۹۴۷ خطاب به سران سازمان صهیونیست با عواصمی اظهار داشت: «مرزهای طبیعی اسرائیل جز مرزهای شمال آن، تاکنون تحقق یافته است».

از اینرو میتوان حجم و ماهیت توطئه‌های را که این روزها علاوه بر جنگ‌های بجاوگرانه مستقیم صهیونیستها، از سوی نیروهای دست راستی و جریان‌های ارتجاعی محلی در جنوب لبنان علیه جنبش مقاومت فلسطین و توده‌های لبنانی جریان دارد دریافت. توطئه‌های که بوسیله برخی عناصر مرتجعی که ماهیت و گذشته کثیف آنان برای توده‌های مردم چه در میان خلق فلسطین و در جنوب لبنان و چه در میان ما آشکار است، بدان‌دامن زده میشود، نقش این عناصر مرتجع و راست، بویژه از آن جهت حائز اهمیت است که با تبلیغات زهر آگین و عاقلانه خویش زمینه توجیه سیاست‌های بجاوگرانه صهیونیستی-امپریالیستی را آماده کرده با پوشش دروغین دفاع از مردم جنوب لبنان، بی‌شماره از پشت به انقلاب فلسطین و مبارزات توده‌های لبنانی خنجر می‌زنند. منظور ما نیروهای دست راستی و ارتجاعی امل است

و مترقی لبنان و نیز علیه انقلاب فلسطین که همدوش، از تاریخ و فرهنگ و سنت و خلق این منطقه دفاع میکنند، بکار گرفته‌اند. اسرائیل با دست یازیدن به چنین جنگ تجاوزکارانه‌ای در منطقه جنوب می‌خواهد اهداف زیر را تحقق بخشد:

۱- وادار کردن مردم به فرار از دهنکده‌ها و شهرهای جنوبی و خالی کردن منطقه از مردمی که با سرخسیتی تمام، سالهاست نیروهای انقلاب فلسطین و خلق فلسطین را زیر چتر حمایت‌خود گرفته‌اند.

۲- آشفته کردن اوضاع اقتصادی، اجتماعی اهالی جنوب از راه آسیب رساندن بمنابع درآمد و زندگی تودما و استتلاک توان معنوی و مادی آنها با بیابان‌های وحشیانه بیدری و اعمال سیاست دزدانه سوخته.

۳- خشمناک کردن پیوند مبارزاتی موجود. میان انقلاب فلسطین و اهالی جنوب لبنان از طریق تبلیغات و القای این ساله به مردم که جنبش مقاومت فلسطین مسبب این جنگ ویرانگر و مخرب است.

۴- گسترده کردن مناطق زیر نفوذ نیرو حائلی که با صهیونیستها ائتلاف دارند. این امر از راه انضمام مناطق جدیدی بمحدوده اشغال شده میتواند صورت بگیرد.

۵- فرایش توان انقلاب فلسطین و بازداشتن این انقلاب از رویدوش با توطئه‌های تسلیم طلبانه و تالیف شوهر وقت نامعاری حیانت آمیز سادات با دشمن صهیونیستی، کند کردن و بازداشتن نیروهای انقلاب فلسطین و جنبش ملی و ترقیخواه لبنان از مترکز کردن نیرو و وارد آوردن شرعاً علیه صهیونیسم و امپریالیزم. ۶- زمینه سازی برای تحقق، خواست، های پلید و تومسطلبانه، صهیونیستها مبنی بر ست اندازی بر تمامی «جبل عامل» در جهت اجرای سیاست همیومی صهیونیستی و امپریالیستی که اساس آن در کنگره «صلح» ۱۹۱۹ (بیسن) انگلیس و فرانسه و امریکا پایه‌گذاری شد. همانطور که در اسناد رسمی صهیونیستها در زمینه حدود مورد ادعای دولت اسرائیل ذکر شده این منطقه از شمال در کنار دریای

کارگران متحصن را به گلوله بستند

شهری، ماموران کمیته پس از تیراندازی به کارگران پراکنده می‌شوند و روز بعد آنها می‌کنند که کارگران پسوی آنها تیراندازی کرده‌اند! کارگران ضمن اعتراض شدید باین اقدام چند تن از ماموران «زبان دریایی» را که در هنگام وقوع حادثه در محل بودند به پنهان‌سازی گیرند و آنها نیز تأیید می‌کنند که کارگران مسلح نبوده و تیراندازی از جانب ماموران کمیته انجام گرفته است.

کارگران متحصن شرکت آمریکائی «پراون اندورت» که پس از ماهها بیکاری و سختی و فشار زندگی این چنین ناچاراندرانه به گلوله بتنه شده‌اند عواصم مستکبری و مجازات‌خوری عاملان تیراندازی شدند و اظهار داشتند: چنانچه مقامات دولتی عاملان تیراندازی را مستکسر نکنند مجبور خواهیم شد این اقدام را خود انجام دهند.

کارگران شرکت پالتیس خواهان ادامه کار هستند

سنکرستان - نمایندگان ۴۰۰ نفر از کارگران شرکت پالتیس از تاریخ ۲۳ تیر در محل شرکت متحصن شدند. این نمایندگان که حدود ۲۵۰ نفر هستند خواهان پرداخت مستملاً حقوق مضاعف و مزایای کارگران هستند. شرکت پالتیس یکی از شرکت‌های هزار یزدانی است که ملی شده است.

کارگران که در استخدام رسمی شرکت هستند کارهای ساختمانی یک کارخانه‌سندگی و بافندگی را بنه‌پایان رسانده‌اند. طبق قسار قبلی کارگران باید در همین کارخانه استخدام شوند ولی مدیران فعلی از کارگران می‌خواهند که ضمیمه حساب کنند.

کارگران ضمن پافشاری برای دریافت‌های با حقوق مضاعف، خود خواهان ادامه کار در کارخانه هستند.

پیش از ۲۰۰ تن از کارگران شرکت آمریکائی «پراون اندورت» که پیمانکار ساختمانی تأسیسات چهارم (نیروی دریائی) بوده است از اوایل پائیز سال گذشته بیکار شدند. کارگران که برای دریافت حقوق خود بارها بمسئولان وزارت کار و نیروی دریائی مراجعه کرده و عملاً نتیجه‌ای نگرفته بودند صبح روز یکشنبه ۳۱ تیر در محل شرکت که در اختیار نیروی دریائی است، متحصن می‌شوند.

قبلاً به کارگران گفته شده بود روزیکشنبه حقوقتان پرداخت خواهد شد، اما از آنجا که مسئولان به این وعده عمل نکردند کارگران تصمیم به تحصن می‌گیرند. کارگران نخستین روز تحصن خود را با آرامش سری می‌کنند و ضمن متشکل شدن شرط پایان تحصن را دریافت حداقل حقوق خود یعنی دریافت حقوق، قرار می‌دهند اما در آخرین ساعات یکشنبه، هنگامیکه گروهی از کارگران خوابیده بودند، ماموران مسلح کمیته ۳ بمحل متحصن مراجعه می‌کنند و از کارگران می‌خواهند به تحصن ادامه دهند. چندتن از کارگران در حال بسر شمرن عواصمی خود و توضیح دادن به ماموران کمیته و پافشاری به ادامه تحصن بودند که تاگهان ماموران مسلح شروع به تیراندازی می‌کنند که تحت تن از کارگران مورد اصابت گلوله قرار می‌گیرند.

اسامی این کارگران عبارت است از: مجید سولفی، قربان حسن‌پور، رضا قاضی، غلام قاضی، حسین فرج‌اللهی، محمدنسی و محمود کارگران متحصن را چگونه به گلوله بستند

اکثریت مردم خود قانون است. البته نظری که در شرایط دموکراتیک و نه در این شرایط توسط نمایندگان واقعی اکثریت مردم در قوانین اساسی تبلور یافته و روابط و مناسبات جامعه را بوجود آورد. بنظر ما هیچ مرجع دیگری چنین سندی ندارد.

ما همانطوریکه قبلاً گفته‌ایم برغم همه این مسائل و برغم آنکه این مجلس را صالح برای تنظیم قانون اساسی می‌پنداریم و کوچکترین اعتقادی باینکه این چنین مجلسی میتواند سندی بنفع مردم ارائه دهد نداریم و نتیجه از قبیل برآیمان معلوم است، اما از آنجا که وظیفه خود میدانیم اتمام امکانات استفاده کرده تا واقعیات را هر چه روشن‌تر برای مردم توضیح دهیم لذا تصمیم گرفتیم که در این انتخابات مجلس خبرگان شرکت کنیم.

ما خواهان تساوی کامل حقوق اقتصادی، سیاسی و فرهنگی زنان با مردان هستیم

از اعتصاب کارگران شرکت ساختمانی پیروز چه درسهایی می توان آموخت؟

تهران - کارگران شرکت ساختمانی پیروز که از تاریخ سوم تیرماه ۵۸ به منظور رسیدن به خواستهای برحق خود دست به اعتصاب زده بودند در تاریخ ششم تیرماه ۵۸ به اعتصاب خود پایان دادند.

کارگران این شرکت که در بدترین شرایط زندگی پریشانی را میگذرانند و در ازاء ۱۱ ساعت کار روزانه ۶۵ تا ۶۵ تومان مزد میگیرند، پس از مذاکرات پرتنشیه خود با کارفرما و عقبافتادن چند ماه حقوقشان سرانجام دست به اعتصاب زدند و خواستهای خود را بشرح زیر مطرح نمودند:

- ۱- پرداخت حقوق عقب افتاده
- ۲- کاهش ساعات کار به ۸ ساعت در روز.
- ۳- افزایش دستمزد به میزان ۸۵ تا ۸۵ تومان در روز.
- ۴- پرداخت حقوق در سر هر ماه.

بالاخره پس از سه روز اعتصاب حواله ای به کارگران داده شد که حقوق عقب افتاده خود را در عرض سه یا چهار روز دریافت کنند و حقوق ماه گذشته ۲۵ الی ۲۵ روز دیگر پرداخت شود. کاهش ساعات کار و خواستهای دیگر کارگران نیز بهمد موکول شد.

آنچه که در خواستهای کارگران بخصوص جلب توجه می کند محرومیت آنها از ابدان است. ترین حقوق و زورگویی بیش از حد کارفرماست. مثلا ساعات کار کارگران آنقدر طولانی است که آنها تقاضا کرده اند که ۱۱ ساعت کار به ۸ ساعت تقلیل یابد و حال آنکه مدانی بسیاری از کارگران برای رسیدن ۲۵ ساعت کار در هفته مبارزه می کنند. و از همه مهمتر با این استمرار و حشانه مزد کارگران نیز بسیار ناچیز است. اما از اعتصاب کارگران شرکت ساختمانی پیروز چه درسهایی می توان آموخت؟

کارگران به درستی باین نتیجه رسیدند که بهجز با اقدامات قاطع نمی توان کارفرما را به عقب نشینی وادار کرد و به خواستهای خود رسید. به همین علت بود که دست به اعتصاب زدند و تا حدی موفق هم شدند. اما اشتباه کارگران در این است که باز هم قبول کردند که به پاداری از خواستهای آنها درآیند رسیدگی شود. کارگران میبایست قاطعانه ایستادگی می کردند و به همه خواستهای صنی خود می رسیدند. تجربه های بسیاری نشان داده است که کارفرما همیشه امروز و فردا می کند و سعی می کند تا آنجا که ممکن است به خواستهای کارگران جواب مثبت ندهد.

قطعنامه کارگران شهرستان بانه در تظاهرات و راهپیمایی روز ۲۸ تیر ۵۸

۱- به هم ملحق شدن دو سندیکای شهر و تشکیل يك سندیکای واقعی که نماینده خواستهای کارگران شهر باشد.

۲- تئیت کار روزانه ۸ ساعت برای کارگران.

۳- تعطیلی روز جمعه برای کارگران و احتساب حقوق آن در روز از طرف صاحب کار.

۴- برکناری سید خلیل از نمایندگی کارگران و استاد احمد فتی از مسامری و کارشناسی شهرداری.

۵- نماینده باید يك نفر کارگر و زحمتکش و از خود ما باشد نه کسی دیگر.

۶- وام باید به کارگران بیکار و از کسار افتادگان و واجدین شرایط داده شود نه کسی دیگر.

۷- برابری حقوق کارگران زن و مرد.

به تاسوی.

۸- معمار شهردار باید فقط در حیثه اختیارات خود عمل نماید (یعنی فقط نقش برداری) نه دخالت در انتخاب کارگر و بنا و آزار آنها.

۹- به کارگرفتن کارگران بومی (مگر در صورت ضرورت و احتیاج).

۱۰- تأمین بیمه کارگران واجد شرایط و مستحق.

۱۱- کارفرما بدون بهانه مشروع حسیق اخراج کارگر را ندارد.

۱۲- پرداخت دستمزد کارگران در روزهای بیاری.

۱۳- پشتیبانی از خواستهای کارگران تمام ایران بخصوص آزادی کارگران زندانی شرکت نفت.

۱۴- ایجاد کارخانه در کردستان.

جریمه و تنبیه باید در کارخانه ها از بین برود

که امروز پس از قیام مردم و سرنگونی رژیم شاه باز هم این چنین شیوه های وحشیانه در کارخانه ها اعمال گردد.

يك نمونه آن وضعیت اسفبار کارگران کارخانه حریر است که سرپرست کارخانه تمام ساعات کار بالای سر کارگران است و به بهانه های مختلف کارگران را جریمه می کند و در بعضی موارد به هم کارگران توهین می نماید. یا آنها را به باد کتک می کسرد.

کارگران این کارخانه به اعمال شیوه های وحشیانه و روش های سندنکارگری اعتراض دارند و تاکنون چندین بار خواستار لغو جریمه و تنبیه و اخراج سرپرست و افزایش دستمزد خود شده اند. اما تاکنون به خواست آنها توجهی نشده است.

هنوز هم در کارخانه ها جریمه و تنبیه بدنی مانند دوران رژیم سابق اعمال می شود. سرمایه داران و عاملین آنها از هر فرستنی استفاده می کنند تا کارگران را زیر فشار شدید قرار دهند. آنها به حیوانی ترین شیوه ها بر علیه کارگران متوسل می شوند. دست است که تا زمانی که رژیم سرمایه داری در کشور ما حاکم باشد به اشکال مختلف کارگران تحت ستم و استثمار قرار می گیرند. اما حتی در کشورهای سرمایه داری هم هیچکس حسیق ندارد. که کارگرفتن را کتک بزند، به آنها توهین کند و به بهانه های مختلف آنها را جریمه کند.

تاریخچه جنبش کارگران جهان شاهد مبارزه قاطع و حتی قیام کارگران بر علیه یک چنین شیوه های ستم است و مسخره است شده است.

با تلاش کارگران نورد ذوب آهن: پاداش، بین کارگران، تکنیسین ها و مهندسين بطور مساوی تقسیم شد

این پاداش هرساله براساس میزان حقوق تقسیم می شد و کارگران که پایین ترین حقوق را دریافت می کردند پاداش کثرتی می گرفتند اما اسامی با اقدام انقلابی کارگزاران این ناپرابری از میان رفت.

کارگر از آگاهی سیاسی و مهارت زیادی در کار برخوردار بود و سالهای عمرش را در شرایط سخت صرف تأمین معاش خانواده اش کرده بود. مراسم ختم او با شرکت همه زیادی از روستائیان و هواداران سازمان برگزار شد.

بوکان - بار دیگر یکی از کارگران معین ما قربانی محیط غیر بهداشتی کار شد. عبدالله ابراهیمی کارگر جوشکار روستای تیکان تپه بوکان در حین کار روی يك بشکه نفت به علت انفجار بشکه دچار آتش سوزی شد و بر اثر سوختگی، شدید درگشت. این رفیق



هشدار صیادان به دولت

در اعلامیه ای که از طرف سندیکاهای صیادان مناطق بندر ترکمن و گویش دهانتار یافته، آمده است:

«از تیرماه گذشته زاندارمری بندر ترکمن و شیلات آئورانه مبارزه با صیادان حاشیه نشین دریای خزر را مانند سابق از سر گرفته اند. ما تراکنه ساحل نشین که زمینهای زراعتی ما را رژیم سابق بهزور از دستمان گرفته است هیچ منبع معاشی شیر از دریا نداریم. آیا ما بازم باید با مأموران مسلح زاندارمری روبرو باشیم؟ ما قبول داریم که دریاهمه ملت ایران تعلق دارد ولی شرایط و محل زندگانی ما طوری است که منبع درآمدی غیر از دریا نمی توانیم داشته باشیم. ما از دولت و مسئولان امر سوال می کنیم ما ساحل نشینان از چه طریقی باید شکم خود و زن و بچه هایمان را سیر کنیم؟ ما تابع آن نوع برنامهدونی هستیم که بتواند حد اقل زندگی ما را تأمین کند و در قبال آن سندیکای صیادان نهاد می نماید که جلوگیری از صید بی رویه در موقع تغییریزی را بعهده بگیرد.»

در قسمت دیگری از این اعلامیه صیادان نوشته اند:

«ما همراهان خواهان انحلال گارد شیلات و پرداخت هزینه حفاظت از دریا به صیادان ساحلی هر منطقه می باشیم. ما جهت مذاکره با مقامهای ذیصلاح دولتی (شیلات، استاندار، زاندارمری) آماده ایم اما دیگر حسیق در صورت اتخاذ روشهای سابق و توسل بهزور حاضر نیستیم عقب نشینی کرده و از گرسنگی تلف شویم.»

تشکیل سندیکای صیادان

صیادان منطقه بندر ترکمن جهت تشکیل سندیکای در روز سخته ۱۹ تیرماه ۵۸ در محل شهرداری این شهر اجتماع کردند. پس از ایراد سخنرانی هانی توسط یکی از صیادان و نایند کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن- بندر ترکمن درباره لزوم حفظ همبستگی و اتحاد زحمتکشان و همچنین بحث در مورد مشکلات صیادان منطقه از میان داوطلبین نایندگی سندیکای رای گیری بعمل آمد و ۵ نفر به عنوان عضو اصلی و دوفتر علی البند اعتصاب شدند.

سندیکای صیادان منطقه بندر ترکمن هدفها و خواستهای فوری خود را بشرح زیر اعلام کرد.

- ۱- انحلال گارد شیلات و پرداخت هزینه حفاظت از دریا که به زاندارمری تعلق می گرفت به صیادان ساحلی هر منطقه. در قبال آن سندیکای صیادان نهاد می کند که جلوگیری از صید بی رویه در مواقع تغییریزی را بعهده گیرد.
- ۲- رسیت یافتن صیادان آزاد از طرف شیلات.
- ۳- صدور کارت صیادی به صیادان آزاد از طرف شیلات منطقه با معرفی سندیکا.
- ۴- احداث فروشگاه ماهی در شهر و بخش های ترکمن نشین توسط صیادان آزاد.

صیادان منطقه بندر ترکمن جهت تشکیل سندیکای در روز سخته ۱۹ تیرماه ۵۸ در محل شهرداری این شهر اجتماع کردند. پس از ایراد سخنرانی هانی توسط یکی از صیادان و نایند کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن- بندر ترکمن درباره لزوم حفظ همبستگی و اتحاد زحمتکشان و همچنین بحث در مورد مشکلات صیادان منطقه از میان داوطلبین نایندگی سندیکای رای گیری بعمل آمد و ۵ نفر به عنوان عضو اصلی و دوفتر علی البند اعتصاب شدند.

سندیکای صیادان منطقه بندر ترکمن هدفها و خواستهای فوری خود را بشرح زیر اعلام کرد.

اخبار کوتاه کارگری

بوکان - کارگران کوره پزخانه آریا. واقع در جاده میاندوآب بوکان برای دریافت مزد برابر با کارگران دیگر کوره پزخانه بیبه کارفرما مزایمه کردند اما او با پرداختن به کارگران گفت که اگر با این شرایط حاضر به کار نباشید اخراج خواهید شد و وقتی با مقاومت کارگران روبرو شد کارگران را بازور اسلحه از محل کارشان اخراج نمود. کارگران این کوره پزخانه تصمیم گرفتند که به هیچ وجه زیر بار ستم سرمایه دار نروند و مبارزه خود را برای بازگشت به کار و دریافت مزد مناسب ادامه دهند.

گرمسار - کارگران قالب سازی تولیدمومیل گرمسار هنگامی که روز جمعه ۲۲ تیر ۵۸ به عنوان اعتراض به دستمزد خود مانع خروج آجر از کوره پزخانه شده بودند مورد حمله گروهی از عمال کارفرما قرار گرفته و چند نفر از آنها مجروح شدند. کارگران قالب

صیادان منطقه بندر ترکمن جهت تشکیل سندیکای در روز سخته ۱۹ تیرماه ۵۸ در محل شهرداری این شهر اجتماع کردند. پس از ایراد سخنرانی هانی توسط یکی از صیادان و نایند کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن- بندر ترکمن درباره لزوم حفظ همبستگی و اتحاد زحمتکشان و همچنین بحث در مورد مشکلات صیادان منطقه از میان داوطلبین نایندگی سندیکای رای گیری بعمل آمد و ۵ نفر به عنوان عضو اصلی و دوفتر علی البند اعتصاب شدند.

سندیکای صیادان منطقه بندر ترکمن هدفها و خواستهای فوری خود را بشرح زیر اعلام کرد.

توسط کارفرما علیه کارگران آجرپزی ارومیه

مسئولین کارخانه آجرپزی از جمله ساهمدار عهد آن قاسم مسامری بعد از قیام دست به اخراج کارگران نیازز زده و حال مسلح دسوارپایه را در اطراف کارخانه منتشر کرده تا کارگران نتوانند علیه اخراج نایندگسان و همکاران خود اعتراض نمایند. کارگران اخراجی در نامه سرکنده خود به وزیر کار توطئه ها و اعمال ضدانقلابی مسئولان کارخانه را افشا و خواستهای خود را به شرح زیر اعلام کرده اند:

- ۱- بازگشت بدون قید و شرط نماینده کارگران.
- ۲- پرداخت حقوق و دستمزد عادلانه.
- ۳- پرداخت کلیه مزایای کارگری مندرج در قانون کار.
- ۴- پرداخت سود سهام سال ۵۶-۵۷.
- ۵- تصفیه کلیه عوامل ضد انقلابی و ضد کارگری.
- ۶- رسی نمودن کارگران.
- ۷- پرداخت دستمزد عادلانه.
- ۸- تشکیل بدون قید و شرط شورای کارگری در سطح کارخانه.
- ۹- بیمه نمودن تمام کارگران.
- ۱۰- ارسال لیست حقوق و دستمزد دریافتی به اداره بیمه.

از طرف کارگران اخراجی آجرس مایشینی ارومیه برای کارگران.

کارگران کوره پزخانه های کرمانشاه: علیه هر رژیم ضد کارگری مبارزه می کنیم

کرمانشاه - کارگران کوره پزخانه های کرمانشاه با انتشار اعلامیه های خواستهای خود را مطرح کرده و اعلام داشتند که بر صورت عدم رسیدگی به این خواستها دست به اعتصاب خواهند زد.

در اعلامیه کارگران کوره پزخانه های کرمانشاه آمده است:

ما کارگران زحمتکش به خاطر محرومیت های که داشته ایم همواره در کنار دیگر کارگران جامعه در مقابل رژیم که مسئول این همه خرابی وضع ما بود قرار میگیریم و علیه آن مبارزه کرده ایم تا در فرادی پیروزی دیگر حاصل دستمزد ما: چپب مفتخورهای زالو سفت نرود، ولی متأسفانه در این چند ماهی که از انقلاب گذشته به تنها وضع مازحمتکشان تفاوتی نکرده بلکه فشار بیشتر شده است و اگر هم اعتراض بکنیم میگویند سیر انقلابی داشته باش، به خاطر انقلاب گشت کن تا زنی بهمه پارت از گرسنگی بپیرد. گشت کن تا صاحب کار روز بروز چاقتر از روز قبل شود. چرا گشت را آن سرمایه داران و کارخانه داران

کرمانشاه - کارگران کوره پزخانه های کرمانشاه با انتشار اعلامیه های خواستهای خود را مطرح کرده و اعلام داشتند که بر صورت عدم رسیدگی به این خواستها دست به اعتصاب خواهند زد.

در اعلامیه کارگران کوره پزخانه های کرمانشاه آمده است:

ما کارگران زحمتکش به خاطر محرومیت های که داشته ایم همواره در کنار دیگر کارگران جامعه در مقابل رژیم که مسئول این همه خرابی وضع ما بود قرار میگیریم و علیه آن مبارزه کرده ایم تا در فرادی پیروزی دیگر حاصل دستمزد ما: چپب مفتخورهای زالو سفت نرود، ولی متأسفانه در این چند ماهی که از انقلاب گذشته به تنها وضع مازحمتکشان تفاوتی نکرده بلکه فشار بیشتر شده است و اگر هم اعتراض بکنیم میگویند سیر انقلابی داشته باش، به خاطر انقلاب گشت کن تا زنی بهمه پارت از گرسنگی بپیرد. گشت کن تا صاحب کار روز بروز چاقتر از روز قبل شود. چرا گشت را آن سرمایه داران و کارخانه داران

فقط با قطع کامل وابستگی به امپریالیسم است که میتوان صنایع، بانکها و شرکت های وابسته را ملی کرد

شرح مختصری از زندگی رفقای که...

درمیتنگ بزرگ دانشگاه تهران کاندیداهای سازمان...



انتقالبی او درهای تازه‌ای گرفت. او در سال ۵۳ از زندان آزاد شد اما قبل از آن توسط رفیق چری از دوزخ زندان سازمان معرفی شد و پس از آزادی بلافاصله با سازمان در ارتباط قرار گرفت و چون وظیفه شناسایی کادریهای سلطنتی رژیم... با او گذار شده بود بعنوان عضو علمی سازمان شروع به فعالیت کرد اما قبل از این که این شناساییها مورد استفاده سازمان قرار گیرد، پس از شهادت رفیق کارگر، یوسف زرکاری ارتباط سازمانیاش قطع شد و تلاش جدیدی را برای ارتباط با سازمان آغاز کرده تا این که در سال ۱۳۵۳ موفق شد دوباره با سازمان تماس گرفته و با رفیق شهید اسماعیل عابدی در ارتباط تشکیلاتی قرار گیرد.

در سال ۵۴، ساواک به روابط او مشکوک شد و به خیال این که می‌تواند از طریق او به دیگر اعضای سازمان دست یابد، او را دستگیر نمود و وحشیانه‌ترین شکنجه‌ها فرار داد، اما همه شکنجه‌ها بی‌اثر ماند و تمام اطلاعات رفیق... در هیچ‌کس در راسه با او دستگیر نشد.

ساواک با این که نتوانست به‌رغم همه شکنجه‌های وحشیانه‌اش ارتباط رفیق را با سازمان چریکهای فدائی خلق ایران کشف کند عملاً هیچ مدرکی از رفیق نداشت با این همه او را به اتهام ارتباط با سازمان ۸ سال زندان محکوم کرد. اما پس از ۸ سال زندان سرانجام توسط خلق ایران از زندان آزاد شد و بلافاصله فعالیت‌های انقلابی خود را در سازمان چریکهای فدائی خلق ادامه داد.

رفیق دانشگری

رفیق رفیق دانشگری در سال ۱۳۳۶ در کردستان بدینا آمد والیدین رفیق لعل آذربایجان بودند اما از آنجا که در میان خلق گرد می‌زیستند رفیق از کودکی با پدرها و رنجهای زحمتکشان کرد آشنا شد در سال ۱۳۴۶ وارد دانشگاه شد و تحصیلاتش را در رشته داروسازی دانشگاه تبریز پایان رساند رفیق از سال ۳۷ پیگیرانه با مسئولان معارف کشتی برداشت و در همان حال در مبارزات دانشجویی فعالانه شرکت داشت.

در سال ۲۹ رفیق رفیق دانشگری با منافق لکنی تبریزی آشنا شد. در این سال مسئله مبارزه مسلحانه برای رفقا مطرح شده بود که

رفیق در جریان آن قرار گرفت و آنرا بعنوان تنها راه رهائی خلق از زیر ستم امپریالیسم قاطعانه پذیرفت و به سازمان چریکهای فدائی خلق ایران پیوست و بعد با نظر سازمان همراه رفیق لکنی به تهران آمد. در آن سال، سازمان برای بزرگداشت به تأثیر عملیات مسلحانه روی توده‌های زحمتکش وظیفه تفضیح در افکار عمومی و برخورد با نظریات تودمها را به رفیق محول کرد.

رفیق در تهران همراه رفقای شهید محمود احمدزاده - احمدزیرم و اسدالله فتاحی و منافق لکنی در یک خانه تیمی مشغول فعالیت بود که در تیرماه ۱۳۵۵ توسط چنانکاران شهربانی و ساواک شناسایی و دستگیر شد. رفیق بعد از مقاومت در زیر شکنجه‌های مزدوران شهربانی و ساواک از زندان شهربانی به زندان اوین و از آنجا بعد از گذراندن دوره بازجویی مجدداً به زندان قصر منتقل شد و در بیدارگاه رژیم به مدت سال زندان محکوم شد. رفیق در این بیدارگاه از حقوق زحمتکشان قاطعانه دفاع کرد و در طول زندان برای شناختن به آگاهی سیاسی خود و هم‌زمان زندانبان‌هایش تلاش پیگیر داشت و در کلیه مبارزات صنفی - سیاسی زندان فعالانه شرکت



میکرد تا اینکه در آذرماه ۱۳۵۷ بدست توانای مردم از زندان آزاد و بلافاصله وارد صحنه‌های مبارزاتی تودمها شد و فعالیت‌های تشکیلاتی مجدد خود را در سازمان چریکهای فدائی خلق ایران ادامه داد.

حشمت رفیعی

رفیق حشمت‌الله رفیعی در سال ۱۳۳۸ در یک خانواده کارگری متولد شد. زادگاهش در آن دوران آتش مبارزات ضد امپریالیسم را شعله‌ور ساخته بود و کارگران حوزه نفت خیز جنوب پرچم مبارزه ضد امپریالیسم را باهتر از درآورده بودند. فضای شهرهای کارگری جنوب را حرکات و زلزه‌ها و مفاهیم انقلابی پر کرده بود.

استمرار وحشیانه امپریالیسم انگلیس سبب فقر و تنگدستی عظیمی برای کارگران جنوب بود تحت چنین شرایطی فقرت بی‌پایان از امپریالیست‌ها در ذهن کارگران شکل میگرفت. رفیق پس از پایان دوران تحصیل ابتدایی در آموزشگاه شرکت ملی نفت در آغازجاری مشغول فراگیری حرفه‌های تراشکاری و

میکانیکی شد. و پس از پایان دوره مساعده آموزشگاه در پالایشگاه آبادان مشغول کار شد. طی یکسال و نیمی که در پالایشگاه آبادان کار می‌کرد در کلاس‌های گرانهایالی از مکتب کارگران آبادان فراگرفت، و یکی از بهترین دورانهای زندگی او محسوب می‌شود. پس از طی این مدت به پالایشگاه تهران منتقل شد و درسهای آموخته را در پالایشگاه تهران بکار بست و همیشه یکی از سازماندهان اعتصابات پالایشگاه بود. با آغاز مبارزه مسلحانه در ایران فعالیت‌های صنفی-سیاسی رفیق ابعاد تازه‌ای به خود گرفت و بهین دلیل برای همراه کردن خود با مبارزه، با نقش قبلی



خود را به‌جایگاه پالایشگاه منتقل نمود. و در تکثیر و چاپ جزوات و اعلامیه‌های سازمانهای رزمنه و توزیع آنها در مقیاس وسیعی فعالانه بکار پرداخت. طی این مدت کتابهای زیادی را چاپ و منتشر نمود. هنگام با این حرکت در سازماندهی اعتصابات کارگری فعالانه شرکت می‌نمود در سال ۵۳ در پی یورش شیاه ساواک دستگیر و تحت شکنجه عذراکه قرار گرفت، طی ده روز اول بازجویی دژخیسان ساواک وحشیانه‌ترین شکنجه‌های جسمی و روحی را اعمال نمودند، و با شکنجه و تحقیر مذبحخانه سعی در کشتن روحیه رفیق کردند پس از ده روز او را به‌وش به بیمارستان شهربانی منتقل کردند. پس از جراحی که به‌زوری پایش انجام دادند با پایهای گچ گرفته بعد از ششماه به‌کمیته شهربانی منتقل شد و مجدداً شکنجه‌ها شروع گردید و این‌بار شکنجه‌های روحی حرفه‌ای ساواک گردید. رفیق پس از ۷ ماه به زندان قصر منتقل شد.

بعد از دستگیری رفیق، کارگران هم‌رزمش فعالیت‌های مبارزاتی خود را ادامه دادند و رفیق از دوزخ زندان دالفا با آنها در تماس بود. مخارج خانواده رفیق را نیز هنگامی که او در زندان بود، رفقای کارگرش تأمین می‌کردند پس از پایان زندان، در شرکت‌های حفاری نفت در جنوب به‌کار پرداخت و در سازماندهی اعتصابات تعیین کننده کارگران حفاری نفت در جریان قیام شرکت نمود. رفیق در هماهنگی نمودن اعتصابات کارگری ایواز در ماههای پیش از قیام نقش مؤثری داشت.

رفیق در به‌بوجه مبارزات ماههای پیش از قیام به‌سازمان چریکهای فدائی خلق پیوست و فعالیت تشکیلاتی خود را آغاز نمود. بعد از پیروزی قیام رفیق همراه با دیگر یاران او در میان استقبال باشکوه کارگران به پالایشگاه تهران بازگشت.

در حاشیه اجتماع دوشنبه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

مردم داشتند: یکبار گروه مهاجم که چهره‌شان همیشه در چنین مجامعی دیده میشود سعی کردند گروهی وارد چمن شوند و وقتی نتوانستند با پرتاب سنگه بداخل جمعیت، چند نفر را سبوح کردند و چند نفر دیگر را نیز مورد شرب و شتم قرار دادند. سبوحین بلافاصله مورد عداوت قرار گرفتند. در پایان مراسم، این گروه در مسیر مردم به‌ضمانت پرداخته و با سخنان رکیکی که هر انسان شرافتمندی از تکرار آن شرم دارد به پست‌های جنجالی انحرافی سعی در تحریک آزار مردم پرداختند.

در این اجتماع همچنین از کاندیدهای کارگران پیشرو مهدی حاج‌قاشی همسرانی قاطعانه حمایت شد و جمعیت با شمار کارگر کارگر زنده بکار توأم این کاندیدها را تأیید نمود.

مهدی حاج‌قاشی تهرانی از ۲۸ مرداد به‌دست مبارزاتی بارها به زندان افتاده است. و در طی سالهای عمرش به‌بازار به‌امان خود برای دفاع از منافع طبقه کارگر ادامه داده است.

با تبدیل مجلس موسان به‌بیرگان این اجازه را به‌خلق‌های تهران ما نمی‌دهند تا از حقوق خود دفاع کنند. و بدینوسیله می‌خواهند هرچه باب طبع خودشان بود به تسویب رسانند ما میدانیم که انقلاب ما یک انقلاب ضد دیکتاتوری و ضد امپریالیسمی بوده که در پی راه خود قرار دارد. بنابر این قانون اساسی باید محضی انقلاب را برساند ما دیدیم که چه‌کسانی پیشاپیش مردم به پادگانها حمله‌ور شده و آنها را تحقیر کردند. آنها کارگران بودند که سالها زیر شدیدترین فشار اقتصادی قرار داشتند. هم‌افران بودند، برسل انقلابی ارتش بودند که زیر سلسله مراتب نظام ارتش خرد شده بودند.

بنابراین قانون اساسی باید خواستها و حقوق این نیروها را پاسخ گوید. این قانون نه‌فقط در جهت این خواستها نیست بلکه طوری تنظیم گردیده است که رشد سرمایه‌داری وابسته را تأمین میکند قانون اساسی باید همواره شوره‌ها و نهادهای مکرراتیک را تقویت کند نه اینکه آنها را تقویت کند و از این برود. قانون اساسی باید این حق را که زمین متعلق به‌کسانی است که روی آن کار میکنند به‌رسمیت بشناسد.

مبارزات کارگران صنفی و پیشاپیش آنها کارگران صنایع نفت که در زیر رگبارهای دشمن اوج گرفت، بود که حکومت سابق را نابود کرد و یوزه امپریالیسم را به‌طاف مالید. مطمئن مترقی استنادان مبارز دانشگاه، کارمندان مبارز دولت بودند که در این قیام شرکت کردند و بندهای روابط بوروکراتیک را از هم گسختند. آیا آزادی سیاسی بنزای این نیروها تأمین میشود خلق کرده، ترکن، ترش بلوچ، عرب همه و همه خودمختاری می‌خواهند و حتماً باید تضمین شود بدون تضمین حق خودمختاری خلفها وحشت و یکبارچگی ایران میسر نخواهد بود.

مطمئن مدنی در قسمت دیگری از سخنان خود گفت: در این شرایط ما صرفاً به‌این علت در انتخابات شرکت می‌کنیم که حرکتشان را با تودمها هماهنگ کنیم و به‌آنها بگوئیم که ما حمایت این قانون اساسی چیست و چرا به سونترماینداری وابسته است نه زحمتکشان. دولت نمی‌تواند خواستهای توده را جامعه عمل بپوشاند و این را می‌خواهیم به‌مردم نشان بدهیم.

ما میدانیم کم‌تشی با انتصاب شدن در این مجلس نفعی نیست. توالست قانون اساسی را تغییر ندهیم اما ما شرکت می‌کنیم تا ماهیت واقعی آن را به‌مردم نشان دهیم. ما صف خود را از همه سازشکارانی که سعی در جلوگیری از حرکت انقلابی مردم دارند جدا می‌کنیم ما نشان می‌دهیم که صف نیروهای اپورتونویست و رفورمیست که رفرم برضی شاه را بعنوان حرکت مردمی شناخته بودند از صف خلق و از صف نیروهای انقلابی جدا است. آنها با حرکت در مجلس خیرگان می‌خواهند به‌کسی برسد لیکن ما کسی نمی‌خواهیم ما می‌خواهیم آن را افشا کنیم.

پس از آن رفیق دانشگری کاندیدهای دیگر سازمان به‌مردم معرفی شد. رفیق دانشگری در سخنان خود گفت: باوضی که نیروی حاکم برای جامعه ما پیش‌آورده است، باید شرکت یک زن در مجلس خیرگان

حمله خلع‌های ایران. بیش از پنج ماه است که از قیام شکوهند خلفهای ما می‌گذرد. در این مدت هیچ تغییر اساسی در زندگی مردم مبارز ما صورت نگرفته است. خلفهای تهران ما به‌هیچیک از خواستهای خود نرسیده‌اند: دولت وقت پس از خریدن بسوی قدرت به‌جای تکمیل دستاوردهای انقلاب محسی در ست نمودن آن کرده است. در این مدت دولت سعی کرده است جلوی رشد و اعتلای انقلابی جنبش مردم را بگیرد، و بهین منظور برای سرکوبی کارگران مبارز در دوزخ کارخانه‌ها نیروی ویژه را بکار گرفته که نقش اداره حفاظت سابق را ایفا کند. دولت دوباره ارتش را بعنوان عامل سرکوب خلق بکار گرفته است. و بالاخره می‌خواهد با تصویب قانون اساسی که می‌بایست در حقیقت حافظ دستاوردهای انقلاب باشد به‌سیاست‌های خود جنبه رسمی بدهد.

این دولت نمی‌خواهد و نمی‌تواند مدافع زحمتکشان باشد. مادام که طبقه کارگر در راس مبارزات قرار نگیرد راهی خلق از ستم امپریالیسم و سرمایه‌داری غیر ممکن است... مجلس خیرگان دقیقاً آزادی و اختیار را از نایندگان مردم سلب می‌کند و نیز پیش نوسی که قرار است در آن تصویب برسد حقوق مردم را اتم از زن و مرد زیر پا گذاشته است. وی سپس در مورد حقوق زنان در قانون اساسی گفت: اصل ۳۳ میگوید کلیه اقدار اتم از زن و مرد در برابر قانون برابرند. کدام قانون؟ قانونی که فعالیت زنان را در بسیاری از حرکات اجتماعی محدود میکند قانونی که تصد زوجات را آزاد می‌گذارد قانونی که حق طلاق را به‌مرد می‌دهد قانونی که از زن محسوس وجود خانه‌نشین می‌بازد و این مسئله را احترام به‌او قلعه‌د می‌کند این قانون ترانس‌برای برمی‌آورد که است. هرگونه تبعیض برمی‌آورد جنسیت باید از بین برود این نوع تقسیم‌بندی افراد جامعه براساس جنسیت تقسیم تفرقه افکنانه‌ای برای سرپوش گذاشتن روی تقسیمات طبقاتی است. افراد در یک جامعه طبقاتی چه زن و چه مرد به‌و گروه بهره‌ده و بهره کش تقسیم میشوند و حفظ حقوق آنها تنها از طریق محو کامل امپریالیسم ممکن است. زنان کارگر، دهقان و سایر زنان زحمتکش با تلاشهای پیگیر خود علیه بهره‌کنی در سراسر تاریخ یوزه در جنبش اخیر حقانیت و قابلیت خود را برای برخورداری از حقوق اجتماعی کامل ثابت نمودند.

آزادی تک‌تک افراد جامعه در یک جامعه طبقاتی درگرو آزادی کلیه زحمتکشان از قید سرمایه‌داری است.

سومین کاندیدای سازمان چریکهای فدائی خلق حشمت‌الله رفیعی کارگر شرکت نفت است. وی در قسمتی از سخنانش گفت: از نظر کارگر، خبره کسی است که از بی‌ن جبارزه او بوجود آمده باشد ولی خبره از دید تنگ نظره و انحصار طبقاتی هیات حاکمه کسی است که ببلب زبانی کند کسی که با دردها و رنج‌های ما آشنا نیست کار در صنعت و سختی را نمی‌داند فشار بورژوازی وابسته را با پوست و خون خود حس و لمس نکرده نمیتواند نمایند ما باشد.

وی همچنین گفت: عدم انتقال تساراب گنفته کارگران به‌نسل جوان مانع شد که آنها دارای یک بینش والای سیاسی شوند. تسفیه‌کاری که بعد از سال ۳۳ در شرکت نفت صورت گرفت نسل جوان کارگر را از تجربه مبارزات گذشته خود محروم کرد و تشکیلات صنفی و سیاسی می‌توانست این‌علاوه را برکند. کارگران که در جریان مبارزات اخیر سنگرها را یک‌به‌یک فتح کرده بودند بعد از قیام به‌ت نداشتن تشکیلات نمیتوانستند قدرت را در دست خود بگیرند. حشمت رفیعی در قسمتی از سخنان خود درباره قانون اساسی گفت: باید هر لحظه به‌تودمها هشدار داد که این قانون برخلاف منافع خلق است و در چنین شرایطی است که می‌توانیم برای رشد سیاسی طبقه کارگر کوشش کنیم. کسیکه می‌خواهد نماینده ملت باشد باید بدانند که در این شرایط تمام امکانات سرکوب وجود دارد. و کترین حدیه سرمایه‌دار به‌فصلین کارگری میدان پهر است.

در این اجتماع همچنین از کاندیدهای کارگران پیشرو مهدی حاج‌قاشی همسرانی قاطعانه حمایت شد و جمعیت با شمار کارگر کارگر زنده بکار توأم این کاندیدها را تأیید نمود.

پیش نویس قانون اساسی، برضد منافع کارگران



بقیه از صفحه ۱

تاسرمایه‌داری وابسته برقرار است....

نیز در شمار مستضعفان بودند. عمده‌ای نیز برای تطهیر نروتهائی که از انتشار مسردم بست آورده‌اند با بوق و کرنا مبلغ ناچیزی از ثروت کلانان را به این حساب ریختند. کار به جایی رسید که در هر شهر و محله‌ای هم می‌دانستند که حاجی فلان و کارخانه‌دار (۱!) درر مقدار پول به مستضعفان داده است.

شرکتهای ساختمانی فلان مقدار سیمان یا آجر صدقه دادند. زمین‌داران قطعه‌ای از زمین‌هایی را که مفت بر آن‌ها جنگ انداخته بودند نتر مستضعفان کردند. این بازی را زمین‌بازان خوب می‌دانند. زمین‌داری که چند صد هزار متر یا بیشتر زمین در بیابانهای اطراف شهر دارد قطعه کوچکی از آن را به‌امور «عام‌المنفعه» اختصاص می‌دهد. دولت در آن زمین آبادانی می‌کند و بدین ترتیب قیمت زمینهای اطراف چندین برابر می‌شود. زمین‌خواران در گذشته نیز چنین می‌کردند. اکنون نیز به‌حساب مستضعفان بازم چنین می‌کنند.

اما، آیا خانه‌سازی برای مردم این‌جمله که تا این مسکن مناسب از میرم‌ترین نیازهای آنان است، به این شکل من درآوردی میسر است؟ خیر. البته می‌توانند واحد ایجاد می‌دهند واحد آنچه، مسکن ساخت و با بوق و کرنا از گردیزی تا آجرچینی و بعد افتتاح این واحدها را در رادیو و تلویزیون اعلام کرد و چند خاور متنازل را در آنها جای داد و با آنها صاحب کرد و از افراد «خیری» که چنین بزرگواری‌ها کرده‌اند از جانب خلق تشکر کرد. اما کار خرابتر از آن است که در را بتوان چنین تسکین داد، چه رسد به مداوای آن.

شکر تازه دولت بازرگان اعلام پرداخت وام مسکن از جانب «بانک ملی ایران» است. «بانک ملی ایران» اعلام کرده است که به‌کسانی که مسکن شخصی ندارند تا سیصد هزار تومان یا نرخ بهره ۶ تا ۸ درصد (بعلاوه یک‌درصد کارمزد) پرداخت خواهد کرد. بشرط آن‌که ۱۵ درصد از مبلغ وام را اکنون در بانک و دیه بگذارند و ۳۵ درصد از هزینه خرید مسکن را خود متعهد شوند. با توجه به‌صورت قیمت گذاری خانها و آپارتمانها توسط بانکها می‌توان گفت که اگر کسی بخواهد یک‌صد هزار تومان از بانک وام بگیرد باید در حدود ۵۰ هزار تومان هم خود داشته باشد تا خانه‌ای در حدود ۱۵۰ هزار تومان بخرد.

کاری به این نداریم که چگونه می‌توان در شهرهای ایران، به‌ویژه در تهران، مسکن مناسبی با چنین قیمتی تهیه کرد. مسردم زحمتکش از یکا باید ۵۰ هزار تومان پیش قسط را فراهم آورند و چگونه می‌توانند در طی ۱۲ سال نزدیک به ۱۵۰ هزار تومان اصل و فرع وامشان را پرداخت کنند؟

اما ببینیم انگیزه اصلی این سیاست چیست؟ البته تبلیغ و شمار بی‌محتوا برای تسکین‌درد های مردم. سندی به ما یکی از انگیزه‌های اصلی این سیاست است. اما گذشته از این دولت بازرگان، آنتنان که در گذشته کرده است، بازم می‌خواهد با روشهای کهنه و مرود اقتصاد ایران را درحان جهت که پیش از قیام بود به‌حرکت درآورد...

ادامه دارد.

پیشنهادات و نظریات انتقادی خود را به‌آدرس زیر ارسال نمایید.
تهران - بلوار کشاورز، خیابان نمکده (میکده سابق) ستاد سازمان چریکهای فدائی خلق ایران.
تلفن ۶۵۹۹۹۹ (ساعات مراجعه و تلفن بستاد از ساعت ۴ الی ۸ صبر)
آدرس پانکی - تهران، بانک ملی ایران، شعبه دانشگاه، شماره حساب ۳۳۵۸
بنام عباس فتیلت کلام.
فیش پانکی کمکهای مالی خود را که از کلیه هموطنان مبارزخواهشمندیم پنهایک واریز شده است مستقیماً برای ستاد ارسال دارید.

کارگران آن، گرفتار ساخته است. سرمایه‌داری وابسته، پس از آن که در محل تولید بخش مهمی از حاصل کار کارگران و زحمت‌کنان را تصاحب می‌کند، در مرحله بعد و به‌صورت هزینه مسکن، جزء مهمی از آنچه نصیب کارگران و زحمتکنان شده است از آنان پس می‌گیرد. بسیاری از کارگران و زحمت‌کنانی که ۷۵ تا ۸۵ درصد درآمد خود را به‌صورت اجاره به‌صاحبخانه‌ها می‌دهند. یا این که مسدودی از آنان که توانسته‌اند به‌زحمت وامی بپست آورند، بخش عمده درآمدشان را به‌بانک می‌دهند. نظام سرمایه‌داری چون‌چرخ کره‌گیری است که ماحصل کار مردم زحمتکش را در مراحل بعدی به‌دستی از آنان باز می‌ستاند. نتیجه آن می‌شود که کارگران و زحمتکنان و نیز کارمندان پائین مرتبه اداری که رویم رفته اکثریت جمعیت شهری را تشکیل می‌دهند، ناگزیر به‌ساعات کار خود می‌افزایند تا بتوانند از عهده هزینه زندگی که بخش مهم آن‌ها را مسکن است برآیند. به‌عبارتی‌دیگر، خصوصیات نظام چنان است که بالاچار به‌نرخ اشتراک کل نظام می‌افزاید. مردم جامعه ما ناگزیر می‌شوند که ساعات کار خود را به ۶۵ تا ۸۵ ساعت در هفته افزایش دهند تا بتوانند روزگار بگذرانند. اگر هرکس باید باحدود ۴۰ ساعت کار در هفته امرار معاش کند، به‌علت گرانی مسکن تقریباً تمامی مزد این ساعات کار به‌صورت هزینه مسکن پرداخت می‌شود. کارگر و کارمند شهری باید یک‌نوبت اضافی کار کند تا بقیه مایحتاج مادی خود را فراهم آورد.

گرانی هزینه مسکن بوسیله سیاست‌هایی که دولتهای وابسته برای ایجاد منافع بیشتر سرمایه‌داران دنبال می‌کنند، تشدید می‌شود. به‌عبارت‌های گوناگون شهرها را محدود بندی می‌کنند تا قیمت خانه‌ها و گرا به‌خانه‌ها در داخل محدوده افزایش یابد و بدین ترتیب سود پار آوردی نصیب سرمایه‌داری وابسته شود. افزایش قیمت زمین و مصالح ساختمانی در شهرها، خانه سازی را در انحصار سرمایه‌داران بزرگ در می‌آورد، و آنگاه دولت امتیازاتی برای این سرمایه‌داران فراهم می‌سازد. آپارتمان‌سازی را رونق می‌دهد و حتی برای آپارتمانهای پیش‌از ده طبقه مالیت مالیاتی قائل می‌شود. به‌صورت پروژه‌های ساختمانی وامهای ارزان می‌دهد و به‌صورت کمبود مصالح، که آن خسود نتیجه سیاست‌های آگاهانه دولت وابسته برای تامین منافع بیشتر سرمایه‌داران بزرگ است، به‌عبارت‌های بزرگ مانند شهرک اکیاتان، سهمیه سیمان و دیگر مصالح را می‌دهد. کار به‌جایی می‌رسد که خرید و فروش مصالح ساختمانی بوسیله این سرمایه‌داران خود نفع قابل ملاحظه‌ای را به‌عمرها دارد. دولت اجازه شهرک سازی را در خارج محدوده‌های زمین‌داران و سازمان‌های بزرگ وابسته می‌دهد. حتی به‌عزیزه دولت برای این شهرکها عمران و آبادی می‌کند.

همه اینها کوششهایی است که برای انتشار زحمتکنان ما انجام شده است. در سال ۱۳۵۶، پرداخت اجاره مسکن در درآمد ملی برابر با ۵۰ درصد ارزش تولید کشاورزی ایران بوده است. یعنی صاحبان مسکن درآمدی برابر با نصف درآمد کل بخش کشاورزی که ۵۰ درصد از جمعیت ایران با درآمد آن زندگی می‌کنند داشته است. این هزینه‌ای است که زحمتکنان شهری ایران برای تامین مسکن، در ابتدای ترین و نامناسبترین شکل آن، پرداخته‌اند. ۶۴ درصد از خانوارهای شهری در مسکن با ۴ بیش از ۳۳ درصد از خانوارهای شهری جمعیتی بیش از چهار نفر دارد. گذشته از این، این واحدهای مسکونی فاقد ابتدائی‌ترین امکانات زندگی است و از لحاظ کیفیت نمی‌توان آنها را مسکن مناسب به‌شمار آورد. بدینجهت است که یکی از میرم‌ترین نیازهای جامعه ما تامین مسکن مناسب برای زحمتکنان است.

اما دولت بازرگان چه سیاستی را برای تامین مسکن زحمتکنان در پیش گرفته است؟ درامه‌های نخست پس‌ازقیام که هنوز شمار مستضعفان بسیار جاری بود و همه رهبران سیاسی خود را حامی مستضعفان می‌دانستند شارهائی نیز برای تامین مسکن برای مستضعفان داده می‌شد. آمدند و حسابی باز کردند تا هر که می‌خواهد به‌مستضعفان صدقه دهد، تا از این راه خانه‌ای برای آنان ساخته شود. بسیاری از کسانی که به‌این حساب کمک کردند خسود

داشتن مسکن مناسب حق طبیعی هر انسان است. اما در نظام سرمایه‌داری که تمامی روابط تولید بر محور مالکیت خصوصی وسایل تولید وانگیزه سودجویی است، تامین مسکن به‌عنوان یکی از مسائل حاد جامعه بروز می‌کند. تمرکز فعالیت‌های تولیدی در نهادهای برجست که از خصوصیات تولید سرمایه‌داری است خود این مساله را تشدید می‌کند. زائغ نشینی و خانه بدوشی حتی در پیشرفته‌ترین کشورهای سرمایه‌داری بعدی عریان و عیان است که حتی مدافعان نظام نمی‌توانند آن را انکار کنند.

در کشورهای تحت سلطه کمبود و نداشتن مسکن مساله‌ای است که بخش عظیمی از مردم گریبانگیر آند و این، ناشی از خصوصیات وابستگی است. روابط سرمایه‌داری وابسته تولید را از آنچه در کشورهای سرمایه‌داری پیشرفته است، بسیار مترکزتر می‌کند. بخش عمده فعالیت‌های تولیدی وابسته در پایتخت قرار دارد. درآنجاست که مراکز سرمایه، پایگاه های اصلی بانکها، کانون‌های قدرت سیاسی قرار دارد. روند تکاملی سرمایه‌داری وابسته، رابطه نزدیک فعالیت اقتصادی با دولت‌وابسته به‌امریالیزم، چنین تمرکزی را ناگزیر می‌سازد.

در ایران بیش از نیمی از فعالیت‌های صنعتی که در کارگاههای «بزرگ» (با بیش از ۱۵ کارگر - طبق طبقه‌بندی مرکز آمار ایران) انجام می‌شود در استان مرکزی است و بخش عظیم آن در اطراف تهران است. در اسودر خنمانی نیز وضع به‌همین منوال است. مراکز بانک، بیمه، عمده‌فروشی، حمل و نقل و... در شهرهای بزرگ و به‌خصوص در تهران قرار دارد.

پوشش تمرکز فعالیت‌های تولیدی سرمایه‌داری وابسته، بخش عظیمی از جمعیت کشورهای تحت سلطه را از روستاها و شهرهای کوچک به‌شهرهای بزرگ و پایتخت می‌کشاند. نزدیک به پنجاه درصد از جمعیت شهرنشین ایران در ۸ شهر بزرگ سکنی دارند و بیش از نیمی از آن‌ها در تهران هستند بین سالهای ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۵ که کل جمعیت ایران سالیانه ۲۷۷ درصد افزایش داشته است، رشد جمعیت در شهرها ۴۸۸ درصد و در روستاها ۱۲۲ درصد به‌ترتیب ۴۹۴ درصد و ۱۰۸ درصد بوده است. این ارقام برای استان مرکزی به‌ترتیب ۴۹۴ درصد و ۱۰۸ درصد بوده است. بنابراین، می‌توانیم که هم‌را با تمرکز فعالیت‌های سرمایه‌داری در چند شهر بزرگ و به‌خصوص تهران، جمعیت کشور به‌سوی این قطب‌های وابستگی کشیده شده است. و این نتیجه گریز ناچار رند سرمایه‌داری و بویژه سرمایه‌داری وابسته است.

بنابراین مساله کمبود مسکن، به‌صورت مساله‌ای حاد، در شهرها رخ می‌نماید. شهرهای بزرگ را کم‌رندی از مهاجران زائغ‌نشین و گهرنشین فرا می‌گیرد. حلیی آپادها، دولت‌آبادها، زور آپادها، ... هر کدام هزاران نفر در مجموع، بخش قابل ملاحظه‌ای از جمعیت شهری را در خود جای می‌دهند. اینها را نمسکن، و زندگی ساکنان آنها را نهم زندگی می‌توان دانست. و این وضعی است که در شهرهای چون مشهد، کراچی، بوئنوس آیرس، کویتو و سانتیاگو در کشورهای تحت سلطه به‌وضوح دیده می‌شود.

ساکنان این بی‌فولها ارتش نخیره کار - گران سنتی را تشکیل می‌دهند. آنگاه که بازار سرمایه‌داری در رونق است این مهاجران شغلی و مزدی دارند و آنگاه که رکود رخ می‌نماید اینان چون واماندگان و پس‌ماندگان نظام بی رحم سرمایه‌داری، کنار زده می‌شوند. آتوقت است که هرکدام باید به‌گونه‌ای از دل سنگ اوزق خسود را بیرون آورند. آنها در سر چهارراهی باید سیگار و دیگر خرت و پرتها را عرضه کنند.

این بخش از جامعه ما در سخت‌ترین و مصیبت‌بارترین شرایط زندگی می‌کند. دراین نظام هیچ ندارد و هیچ امیدي نیز ندارد. نه از بهداشت، نه از آموزش و نه از رفاه‌مزدنگی انسانی او را بهره‌ای می‌رسد. و خانه او نیز دولت برای حمایت از منافع زمین‌داران و بازرو فروشهای شهری با بولدوزر به‌جان این مردم سندی می‌افتد. گذشته از این قشر، که محرومترین قشر شهرنشین جامعه سرمایه‌داری وابسته است، مساله مسکن دیگر مردم را، جز سرمایه‌داران و

بقیه از صفحه ۱

ابتدائی‌ترین حقوق کارگران و....

محقر به آنها داده شود: خانه‌ها و آپارتمان های فراریان و ژنرالها و کارشناسان خارجی بطور عادلانه بین آنها توزیع شود و یا حداقل چنان امکاناتی برای آنها فراهم شود که بتوانند در کوتاه‌ترین مدت ممکن دارای سرپناهی شوند و در گرما و سرما خود و خانواده‌شان زیر آسمان نخوانند.

آیا جز این بود که میخواستند از قید هرگونه استثمار و بهره‌کشی آزاد گردند؟

آیا جز این بود که حداقل می‌خواستند هروقت که استثمار آنها شدید و طاقت‌فرسا شد مبارزه با استثمارگران بپردازند و اعتراض کنند و دیگر با توسل بقانون ضد کارگری و تازه تصویب شده «مقدمین علیه کشور» با آنها همچون جنایتکاران رفتار نشود؟ «نیروی ویژه» جهت سرکوب آنها بوجود نیاید.

اما کدامیک از این خواسته‌ها در قانون اساسی پیشنهادی منظور شده است و «قانون دانان» و «خبرگان» تنظیم‌کننده این طرح پیشنهادی به‌کدامیک از این ابتدائی‌ترین خواسته‌ها بدل توجهی فرموده‌اند؟

لایه‌آقایان «کاردانان» و «خبرگان» پیشنهاد دهنده میگویند: اولاً: «اصول ۳ و ۷۴» باید گمت که این اصول بجای تأیید شورا در حقیقت آن را بارشته‌ها و بندهای متعدد و نامعین محدود کرده است و عملاً بیشتر بر محدودیت‌های آن تأکید کرده است تا بر روش کردن توانایی‌ها و وحد اختیارات آنها.

ثانیاً: «اصل ۹» ... امکان کار و کوشش برای همه باید چنان فراهم گردد که هیچ‌کس مورد بهره‌کشی و استثمار دیگران قرار نگیرد» بده درست است. گفته‌اید که باید چنان امکاناتی فراهم کرد که «هیچ‌کس مورد بهره‌کشی و استثمار دیگران قرار نگیرد» اما به‌مدر اصل ۴۷ با پذیرش «مالکیت خصوصی» (تأکید میکنیم مالکیت خصوصی و نه مالکیت شخصی که در ماده ۴۵ آن را برسمیت شناخته‌اید) عملاً و به‌نحو احسن آن را نقض کرده‌اید. این دیگر امری بدیهی، بی‌پایه روشن و اثبات شده است که تا «مالکیت خصوصی» هست استثمار و بهره‌کشی نیز هست؛ و تا صنایع و کشاورزی ملك خصوصی سرمایه‌داران و زمینداران باشد و بازرگانی در چنگال عدمی بازرگان محدود بماند «امکان سلب سمی و کار حاصل از آن» وجود دارد. «سمی و کار حاصل از آن» حق (آن) کس نمی‌شود. ببارت ساده‌تر شما بر آب خط نوشته‌اید.

* مالکیت خصوصی: هرگاه وسایل تولید در دست يك یا گروهی از افراد باشد و این وسایل را به‌منظور تولید کالا و برای کسب سود در جریان تولید قرار دهند، این نحوه مالکیت را مالکیت خصوصی میگویند.

تشکیل سندیکای کارگران بوکان

سندیکای کارگران عیاط بوکان تاسیس شد و هدفهای خود را اعلام کرد: قسنتی از حذف و برنامه‌این سندیکای عیارت از: ایجاد فضا و محیط مناسب برای کار: الف - یسه خدمات درمانی و همکارگران عیاط و خانواده‌آنان با شرایط سهل و مناسب با درآمد. ب - بازتنشکی ج - اجرای مقررات قانون کار در مورد نحوه زمان و مکان کار. د - تامین مسکن برای کلیه اعضای سندیکای از طریق اخذ تاس با مقامات دولت و وزارت کار و سایر مسئولان مربوط. ه - استفاده از خدمات پزشکی و سایر خدمات غارتگران جهاز.

جدیدی از مبارزات توده‌ها را اعلام کردند و آن را تا سرنگونی رژیم وابسته به‌امریالیزم شاه به‌پیش بردند. همین کارگران و زحمتکنان شهری بودند که در کنار سایر طبقات و یکمک همه‌اشکال مختلف مبارزه (از میتینگ و تظاهرات گرفته تا اعتصاب و بالاخره قیام‌مصلحانه) مبارزه را تا به‌آخر ادامه دادند و هرگز از رودرویی با دشمن هراس بدل راه ندانند و با مشت‌های گره کرده و چهره‌های سوخته و خشمگین شعله‌ور بر شاه را «علیرغم تلاش‌های سازشکاران فریاد زدند - این کارگران بودند که با اعتراضات خود منافع قدرت و ثروت رژیم را از او گرفتند و قدرت سرکوبگر او را عملاً از کار انداختند. این کارگران و دریشایش آنها کارگران مبارز و دلیر نفت بودند که در حقیقت کسر رژیم شاه را بچکشند.

بناشد از خود برسیم که چرا آنها در این قیام و مبارزه مرگ و زندگی شرکت کردند؟ آیا جز این بود که انتظارات و توقعاتی کاملاً بحق داشتند که از نیازهای حیاتی آنان سرچشمه می‌گرفت و می‌بایست در قانون اساسی منعکس شود؟

آیا جز این بود که میخواستند بتوانند از طریق سازمانهایی که خود در جریان قیام بوجود آورده‌اند (یعنی شوراها) در سرنوشته کشورشان دخالت کنند و در زل و نصب اعضای دولت مؤثر باشند و عبارت دیگر در تصمیم‌گیری‌ها بطور مستقیم مشارکت داشته باشند و نظارت مستقیم داشته باشند.

آیا جز این بود که میخواستند از حق کار یعنی تضمین داشتن کاری با مستمندی که حداقل همیشه (یعنی مستمندی که فرد بتواند زندگی خود و خانواده‌اش را از همه نظر تامین کند) برخوردار باشند و دیگر دیو بیکاری‌هر لحظه زندگی آنها را تهدید نکند؟

آیا جز این بود که میخواستند صورت بیکاری و تا هنگام اشتغال مجدد بکار، از دریافت حقوق ایام بیکاری برخوردار باشند تا دیگر گرسنگی خود و همسر و فرزندانان را تهدید نکند؟

آیا جز این بود که میخواستند ساعات استراحت و زندگی در کنار همسر و فرزندانان بیشتر باشد و دیگر نیمه شب از خواب برنجیزند و در حال دو بیمل کار نروند و یا در طول هفته روز بیشتری را برتبتی و آموزش فرزندانان بگذرانند، مدت بیشتری را ازبمال به‌استراحت و تجدید قوا بپردازند و از حداقل تفریحات سالانه و زندگی در محیط آرام برخوردار باشند تا طول متوسط عمرشان نصف نشود.

آیا جز این بود که میخواستند سرپناهی داشته باشند؟ خانه‌ای اگر چه

هقنانان، زحمتکشان و همه خلق‌های ایران است

چرا شرکتهای سهامی زراعی در گرسار به وجود آمد؟

این بررسی از طرف گروهی در گرسار تهیه شده که ما با انتشار بخشی از آن و تغییر برخی از نکات در آخر به اشتادانی که بر آن وارد است میپردازیم.

کشورهای غارتگر امپریالیستی مثل آمریکا ای غارت هر چه بیشتر ثروت کشورهای زیر سلطه خود، راههای مختلفی را انتخاب میکنند و به وسیلههای گوناگونی دست میزنند. ایجاد شرکتهای سهامی زراعی یکی از این روشها می باشد و یکی از صدها برنامه ای است که برای غارت کشور ما و نظیر آن در بعضی کشورهای مشابه، دست به اندازد آنزینند.

در زیر قسمتی از هدفهای ما را که امپریالیسم آمریکا و سرمایه داران و زمینداران وابسته به آن از ایجاد شرکتهای سهامی زراعی در سر داشتند یادآوری میکنیم:

- ۱- بهداز اصلاحات ارضی هر کشاورزمین خود را به تنهایی کنت می کرد و به علت نداشتن سرمایه کافی نمیتوانست ماشین آلات کشاورزی خریداری کند و کشور های امپریالیستی، به ویژه آمریکا، که بازار بزرگی فروش محصولات خود میخواستند، با همکاری رژیم مغزور پهلوی، شرکتهای سهامی زراعی را تاسیس کردند تا بازاری شود برای فروش محصولات و ماشین آلات آن که با چندین برابر قیمت تمام شده آن به فروش رسانند.
- ۲- محصولات خام کشاورزی ما را به قیمت ارزان میخرند و آن را بصورت محصولات ساخته شده و مصرفی در می آورند و با چند برابر قیمت تمام شده و چندین برابر قیمت محصول خام آن به مردم میفروشند و باز سود بیشتری به زمینداران سرانبر می شود.

۳- کمترین کاشتن محصولاتی مانند گندم که غذای اصلی مردم است و در عوض کاشتن محصولاتی مثل خنخاش که از آن مواد معدنی درست میکنند و مردم میبند ما را معصوم میکنند یا با آن دارو درست میکنند و به این قبندی سرسام آور به خود ما میروند و این باعث میشود که از دو طرف جیب خود را پر کنند یکی اینکه گندم نداریم و مجبوریم با قیمت گران از کشورهای خارجی بخریم و دیگری استفاده ای که از خنخاش می کنند.

۴- از طرفی برای ساختن آنها و تاسیس و همچنین خرید ماشین آلات مورد نیاز های غارتگر از طریق بانکها با پرداخت وام با سود زیاد که گاهی سود وام از مقدار وام هم بیشتر میشود و از این طریق هم روستائیان را به خاک سیاه می نشانند و هم مملکت را ورشکسته می کنند.

۵- سرمایه داری سرمایه داران کشور های امپریالیستی در شرکتهای سهامی زراعی از طریق دلالت خود که همان زمینداران و سرمایه داران بزرگ وابسته باشند، سالانه مقدار زیادی از سود شرکت را بابت بهره سرمایه داران به جیب میزنند.

چیزهایی که در بالا گفتیم در مورد گرسار هم صادق است و حال ببینیم وضع کشاورزی در گرسار چگونه است.

گرسار یکی از نواحی نسبتاً حاصلخیز ایران است و به همین علت بود که شرکتهای سهامی زراعی را در این شهرستان مثل بقیه نقاط حاصلخیز ایران تاسیس کردند و با توجه به اینکه شرکتهای سهامی زراعی در مناطقی تاسیس شد که دارای آب زیاد و زمینهای

لزوم اتحاد برای مبارزه با زمیندار

اجیرا اعلامیه ای در جهت شناسیدن نحوه اجرای اصلاحات ارضی در «شوریلخ» از روستاهای گرگزار کرمانشاه با امضاء طرفداران سازمان در کرمانشاه منتشر شده است. ما ضمن تأیید این چنین کوششهایی که شناخت منحص مناطق مختلف ایران را مقصور میکند، قسمتی از این اعلامیه را نقل می کنیم.

«... مهدی خان یآوری یکی از زمینداران شوریلخ... در زمانی که شاهر ضای رئیس باشگاه بوده است با نجات روستائیان را به روز حربه و حق و حساب رئیس باشگاه را حصوراً می برداخته است.

اکنون مهدی خان یآوری دارای ۲۳ جفت زمین تاپ است که همه را بطور مکانیزه کشت می کند و کلیه وسایل کشت مکانیزه با وجود نزدیکی و ولخرجی های بی حساب در سطوح بالا تا پائین اداره کنندگان شرکت های سهامی زراعی، زمانی که کشاورزان برای گرفتن سود سهام جزئی خود، چندین بار به شرکت مراجعه می کردند، همیشه با سرگردانی و توهین های گوناگون رویسر می شدند. بقیه در صفحه ۷



کتابخانه و محل درمان رایگان روستا به آتش کشیده شد

فومن- حدود دوماه پیش با همکاری گروهی از جوانان روستای «شولم» از توابع فومن کتابخانه ای در این روستا دایر شد که مورد استقبال روستائیان فرهنگ دوست قرار گرفت. همچنین مسئولان کتابخانه با استفاده از کمک یک پزشک، محل کتابخانه را برای درمان رایگان روستائیان نیز مورد استفاده قرار میدادند.

شخصی از اهالی این روستا به نام «احمد» که لباس روحانیت در بر کرده ولی ماهیت برهنه معلوم است از همان آغاز شروع به تبلیغ سوء طایفه کتابخانه کرد و

بالاخره با کمک چند فرد فرسود و معلوم الحال دیگر تکبیر گویان در کتابخانه را شکست، کتکها، نثرات و مکه های شهدا را به روغن زیت و آتش زدند.

جانب اینجاست که طایفه شکارچی مسئولان کتابخانه و همسای از اهالی پاسداران مسئولان کتابخانه را به سمت چاقو کشی پشتر پانسی بردند و آقای حبیبی هم که پشتیبانی میداد کرده بود در برابر مأمور زاندارمری سینه چر می کند و می گویند.

«من کتابخانه فا آتش زدم و اگر دوباره دایر شود باز هم آتش خواهم زد»

نیروهای مترقی بوکان:

مخالفین تشکیل شورای واقعی شهر چه کسانی هستند

بوکان - به منظور رفع مشکلات شورای شهر بوکان و انتصاب هدای از اهالی در این شورا که قادر به تأمین منافع خلق باشند، طی نشستی که به تاریخ پنجم خرداد در منزل امام جبه بوکان با حضور گروهی از روحانیون های پیشرو بوکان و گروهی از روحانیون مبارز برگزار شد اعلامیه ای صادر گردید که در آن نیروهای پیشرو موافقت مشروط خود را برای شرکت فعال در شورای موقت اعلام داشتند. شرط این نیروها تهیه فوری مقدمات انجام یک انتصابات راستین و گزینش نمایندگان واقعی مردم بود که این شرط به استاد توافقیانه مورد تأیید حبه نیروهای شرکت کننده قرار گرفت همچنین در تاریخ ۲۸ خرداد هر جلسه ای که از عناصر شورای موقت تشکیل شد مقرر گردید که یک هفته ستادی به نام ستاد انتصابات تشکیل شد و بلافاصله کار انتصابات را آغاز کند. مورتهای نیز بدین مشنون نوشته شد. اما هنوز حرکت توافقیانه خشک نشده بود که

افراد شورای شهر از اجرای مفاد توافق نامه سرباز زدند و هنوز هم کسانی هستند که در راه تشکیل این شورا کارشکنی می کنند. چند روز پیش اعلامیه ای از طرف دختر جوانان سازمان چریکهای فدائی خلق، جمعیت دفاع از زحمتکشان و حقوق ملی خلق کرد و شورای مشترک محلات کارگرتین بوکان صادر گردید که در آن خطاب به مردم مبارز بوکان هشدار داده شده است که «عدهای مطوم الحال آگسها» و به شکلی آشکار با تشکیل شورای واقعی مردم مخالفت میورزند» همچنین در این اعلامیه خسروج این سازمانها و گروهها از «شورای فرمایشی» شهر اعلام شده است.

در این اعلامیه هشدار داده شده است که «هر گروه یا دسته ای بخواهد خودسرانه و بدون اطلاع مردم اقدام به عقد تمسک در جهت استقرار چهرانی و زاندارمری (غیر خودمختار) کند خود مشمول عقوبت وحشی آن خواهد بود».

دعوتان بخشی از بندر ترکمن:

«تا نابودی غاصبین و زورگویان»

سازمان چریکهای فدائی

دعوتان آواره میانوال و پخیرناورگامیشلی در بندر ترکمن در اعلامیه ای اعلام داشتند: با درود بر پیامبر پشما برادران زحمتکش و مبارز که با اتحاد و همبستگی خود بر دلهای مرتجعین و حشمت افکننده و عرصه را بر غاصبین و زمینداران بزرگ و زورگویان محلی تنگ کرده اند، ارتجاع و در راس آن غاصبین مصدرشاهی برای اینکه نجات پیدا خود را عملی سازند انواع حیلها را بکار میبرند. روزی مارک خرابکار و سینه چین را بر پیشانی انقلابی ترین فرزندان خلق میزنند و روز دیگر حرکت انقلابی دعوتان را عملی ضد انقلابی جلوه میدهند. ولی دعوتان و زحمتکشان مبارز در صحنه پیشکار آیدیدند گشته اند و حیلها و دشمن دیگر کاری نیست. در جائیکه دستگاه حاکمه علا به حمایت از سرمایه داران و زمینداران بزرگ پرداخته است، درجایی که مبارزات پیکر شمار اعلی ضد انقلابی جلوه میدهند و از بنام کردن نیروهای انقلابی هیچ ابائی ندارند تنگ و وحدت هر چه بیشتر شا دعوتان و پیوندتان

ما هرگز اجازه نخواهیم داد ما مبارزه خواهیم کرد و ارتجاع را درهم خواهیم کوبید ما ضمن اعلام پشتیبانی از شورا های دعوتان و شرکت انقلابی آنها با خود عهد و پیمان میبندیم که تا بساط غاصبین و زورگویان را بر زمین از مبارز دست بر ندرانیم.

روستائیان «آیچی» سقر تشکیل شورا دادند

روستائیان آیچی سقر تشکیل شورا دادند سقر - زحمتکشان روستای «آیچی» درم کیلومتری سقر در یک گروههای به تاریخ ۱۴ تیرماه نمایندگان شورای خود را که شامل ۳ نفر خوش نشین، ۲ نفر کشاورز جوان و عضو اصلی و یک کشاورز بیوان عضو. طریبلیل بودند انتخاب کردند.

در قطعنامه ای که در پایان گردهمایی صادر شد روستائیان ضمن تأیید قطعنامه ۸ ماده ای شهر مهاباد (طرح خودمختاری کردستان)، شیخ هزالدین حبیبی را رهبر و سخن گوی خلق کرد دانست، دولت را از مذاکره با کسانی که خود را ناطق نماینده خلق

کرد معرفی می کنند منع نمودند. روستائیان همچنین خواستار سرکوب فئودالها بوسیله دولت شدند. آنان در بخش دیگر قطعنامه تأکید کرده اند که مسئولین امور منطقه باید از اهالی منطقه و انتصابی باشند. پرداخت وام، تقویت امنیت و نیز خواسته های رفاهی از دیگر مواردی است که مردم روستا در قطعنامه خود عنوان کرده اند.

اهالی روستای آیچی در قطعنامه تأکید کرده اند: «برای تحقق قطعنامه فوق کاملاً از شورای خود پشتیبانی می کنیم و شورا نیز موظف است اقدامات لازم را در این مورد انجام دهد»

فعالیت های

کانون فرهنگی و سیاسی

خلق ترکمن

کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن در هفته گذشته فعالیت های فرهنگی اخیر خود را در منطقه ترکمن صحرا بشیر اعلام کرد.

در حال حاضر کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن، ۱۳ شعبه در مراکز بخش ترکمن صحرا دایر نموده است. در مجموع ۳۳ کتابخانه روستائی توسط جوانان پیشگام ترکمن صحرا در روستاهای این منطقه ایجاد شده است. شعبه های کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن در مراکز بخش به فعالیت های چشمگیری در زمینه نمایش فیلمهای مناسب برای روستائیان پرداخته و نمایشگاههای عکس از مبارزات اخیر مردم، شهدای خلق ترکمن، شهدای درگیری های کردستان و نمایشگاههای کتاب ترتیب داده است.

همچنین در هفته گذشته در شهرهای گنبد، آق قلا، بندر ترکمن تعدادی از روستاهای منطقه، فیلمهای سینمایی اصحاب، ویتنام (جنگ خاتمه یافت، مبارزه ادامه دارد) کردستان و ترکستان به نمایش گذارده شده است.

حلاوه بر این کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن مبادرت به انتشار نشریه ای به زبان ترکمنی به نام «ایل گوجی» (قدرت خلق) کرده است که حاوی مسائل سیاسی و فرهنگی است.

اولین شماره نشریه، هفته پیش منتشر شد و با انتشار آن، گام ارزنده ای در جهت احاطه و اشاعه فرهنگ خلق ترکمن برداشته شد.

تظاهرات روستائیان در مرند مرند - روز چهارشنبه ۳۵ تیر، گروهی از دعوتان روستای میرآباد مرند در مقابل استانداری بعنوان اعتراض به ارباب روستا که مانع درو کردن محصول است دست به تظاهرات زدند. روستائیان پلاکاردهایی در دست داشتند که روی آنها نوشته شده بود: «مرگ ارباب» نمایندگان این گروه که برای مذاکره با استاندار رفته بودند پس از چند ساعت بدون هیچ نتیجه ای، بازگشتند.

زمین از آن کسانی است که روی آن کار میکنند



دولت انقلابی نیکاراگوئه برنامه اقدامات فوری خود را اعلام کرد

جبهه آزادیبخش ملی ساندینیستا که با مبارزات خونین و مسلحانه خلق نیکاراگوئه دولت دیکتاتوری سوموزا را سرنگون کند، برنامه اقدامات فوری خود را اعلام کرد. این برنامه شامل اقداماتی فوری و عاجلی است که بلافاصله در جهت تحقق خواستهای خلق نیکاراگوئه بعمل خواهد آمد. خلاصه‌ای از مواد برنامه عاجل اعلام شده دولت انقلابی ساندینیستا در زیر می‌آید.

۱- ما از تمام اموال خاندان سوموزا طلب مالکیت می‌کنیم:
فورا تمام زمینها و املاک خاندان سوموزا ضبط خواهند شد. تمام چراگاهها، تمام پلاتاژهای قهوه، نیشکر، تنباکو، ذرت، نالهزارها، تمام کارخانهها، تمام کارخانجات قند سیاه، گچ‌زیر، تمامی مוסسات مالی و پولی شرکتهای ساختمانی، بانکها و سایر شرکتهای ضبط خواهند شد. خلق به کمک این مוסسات به سود خویش به امر تولید خواهد پرداخت. کارگران و کارمندان مוסسات نامبرده در کنترل و اداره امور این موسسات شرکت خواهند کرد.

۲- مالکات ارضی خواهیم کرد.
تمام املاک زمینهای خاندان سوموزا و افسران عالی‌رتبه ارتش که در غارت و چپاول زمینها و در بیرون‌دادن و اخراج دهقانان از زمینهایشان دستار خاندان سوموزا بوده‌اند بین دهقانی که بر زمین‌ها و تمام کسانی که مالکند روی زمین کار کنند تقسیم خواهند شد. دیگر هیچ کس نتواند توانست از طریق بهره مالکانه یا اجاره‌های زمین و یا از راه قیمت زمین جیب خود را پر کند.

۳- خلق شرایط کار را در روستا دگرگون خواهد کرد.
ما به «وقت‌کش» (بیکاری‌های فصلی- مترجم) خانه خواهیم داد و تلاش خواهیم کرد در سه سال کار وجود داشته باشد. کارگرانی که نیشکر می‌برند، کارگرانی که قهوه، تنباکو و پنبه‌کشت و برداشت می‌کنند و تمام کارگرانی که در کشاورزی بکار خواهند پرداخت مزد مناسب و عادلانه‌ای دریافت خواهند کرد.

۴- گرانروشی و کم‌فروشی مبارزه خواهیم کرد.
کارگران نیشکر دیگر از مواد شیمیایی مسموم نخواهند شد. برای کارگران کشاورزی مسکن مناسب ساخته خواهد شد.

۲- شرایط و اوضاع کار در معادن تغییر خواهد کرد.

کلیدی معادن به خلق واگذار خواهند شد کارگران معادن در اداره‌های آنها شریک خواهند شد. زمان کار آنها کوتاه خواهد شد. دستمزدها عادلانه دریافت خواهند کرد و از تمام بیمه‌های اجتماعی برخوردار خواهند گردید. مسکن در خور انسان و آموزشگاه برای آنان و کودکان آنها، درمانگاه و مוסسات تفریحی برای والدین و فرزندان آنها ایجاد خواهد شد. زندگی تمام کارگرانی که در معادن فدای استثمار ظالمانه شده و اینک بی‌توانند و یا به‌گدائی افتاده‌اند فورا تامین خواهد شد.

۵- شرایط کار در شهرها دگرگون خواهد شد.
حکومت ساندینیستی از همان ابتدای کار علیه بیکاری مبارزه خواهد کرد تا به کلیه اهالی نیکاراگوئه کار شایسته‌ای واگذار نماید. حداقل دستمزد کارگران از نو تعیین و تثبیت خواهد شد و کارگران متشکل شده خود اجرای دقیق قوانین کار و اجرای ساعات تعیین شده را در کارخانجات، در کارگاهها، در درمانگاهها، در مוסسات حمل و نقل کنترل خواهند کرد. کار هرچه باشد، بایستی در شرایط انسانی انجام گیرد. کلیه قوانین و مقرراتی که با حقوق کارگران مغایرت و منافات داشته باشد ملغی خواهد گردید.

۶- آموزگاران از شرایط کار چینیستی برخوردار خواهند شد.
۷- مستخدمین و کارمندان شرایط کارشان دگرگون خواهد شد.

۸- متشکل شدن آزادانه در اتحادیه‌های کارگران برای کلیه کارگران.

کلیه کارگران شهر و روستا، کلیه پیشوران، کارمندان و مستخدمین و استادکاران بدون هیچ محدودیتی حق دارند آزادانه اتحادیه‌های صنفی خود را تشکیل دهند و این حق آنان تضمین خواهد شد. حکومت ساندینیستی تشکیل اتحادیه‌ها را تشویق خواهد کرد تا از این طریق کارگران و زحمتکشان بتوانند از دستاوردها و از حقوق خود دفاع کنند.

۹- قیمت نیازمندیهای زندگی دیگر بیوسه ترقی خواهد کرد.

حکومت ساندینیستی قیمت تمامی کالاها و فراوردهای مهم برای زندگی را مانند مواد غذایی، پوشاک و دارو و غیره... کنترل خواهد کرد.

۱۰- حمل و نقل افراد به شیوهی انسانی با کارآئی انجام خواهد گرفت.

جبهه ساندینیستا اتوبوسها را از نظامیان عالی‌رتبهی دزد و از سرمایه‌داران فاسدینتاند و خود مردم کنترل و ساطق نقلیه را برعهده خواهند گرفت به‌اندازی کافی اتوبوس وجود خواهد داشت و بهای وساطت نقلیه خودسرانه ترفی نخواهد کرد. توجه خواهد شد که اتوبوسها سر موقع رفت و آمد کنند و به هیچ مسافری توهین نخواهد شد.

۱۱- آب و برق به همه جا راجع خواهد شد.
ما همه با هم دست بست یکندیگه دادیم سخت تلاش خواهیم کرد تا تمام خانه‌های روستائیان در دور افتاده‌ترین محله‌ها و تمام بخشهای ماناگوا از برق و آب آب‌آسانی برخوردار شوند.

۱۲- مسکن شایستهی انسان حق خلق خواهد بود.
حکومت ساندینیستی بساختن مسکن ارزان، محکم و آسوده برای کارگران، دهقانان، مستخدمین و پیشوران خواهد پرداخت. در تمام محله‌ها میدانهای ورزش و پارک برای کودکان، خیا‌بانهای آسفالت شده و روشن و شیرخوارگاههایی که مادران مشغول به کار بتوانند کودکان خود را بدانها بفرستند می‌سازیم.

۱۳- سلاخی و بهره‌برداری از مسکن متشکل خواهند شد و خود به‌تمام سایل مربوط به‌مصله خود خواهند پرداخت.

۱۴- سلاخی و بهره‌برداری از مسکن متشکل خواهند شد و خود به‌تمام سایل مربوط به‌مصله خود خواهند پرداخت.

۱۵- سلاخی و بهره‌برداری از مسکن متشکل خواهند شد و خود به‌تمام سایل مربوط به‌مصله خود خواهند پرداخت.

۱۶- آموزش و پرورش همه رایگان و اجباری خواهد شد.
جبهه ساندینیستا از همان ابتدای پیروای مبارزه خواهد کرد تا همه اهالی نیکاراگوئه بتوانند بخوانند و بنویسند.

چرا شرکتهای سهامی زراعی ...

و نص هائی است که از میزان تولید و درآمد کم خواهد شد. هر اینجا ما قسمتهائی از این اشکالات را توضیح می‌دهیم:

۱- مسئله آب - روستاهائی که «حق‌آبه» کافی ندارند رساندن آب به زمینهایشان بسیار مشکل و حتی در تابستان غیر ممکن است. همینطور اگر زمینها جدا جدا باشد، برای اینکه از سیرک زمین آب را روی زمین دیگر ببرند، مقدار زیادی آب به‌هدر می‌رود و همینطور زمینهای که «حق‌آبه» ندارند دیگر زیر کشت نمی‌رود.

۲- قطعه‌قطعه بودن زمینها عملا استفاده از وسایل مکانیزه را غیر ممکن می‌سازد و مرسوم به‌صرفه نیست و حیث و میل آن زیادتر می‌شود و همینطور گرانتر تمام می‌شود. مثلا شخم با تراکتور چه زمین ۲ هکتار و یا ۲۵ هکتار باشد، تفاوت هزینه‌های آن در مقایسه با ۲۵ هکتار با ۲ هکتار بسیار رانندگاست اما اگر ۲۵ هکتار به‌قطعات ۲ هکتاری تقسیم شود و لازم باشد تراکتور بطور مجزا برای هر یک شخم بزند کاری بیشتر و هزینه‌ای زیادتر را ضروری خواهد ساخت (چرا که تراکتور مجبور است در قطعات کوچک مرتب چند مرتبه دور زده و آخر سرزم گشته‌های زمین شخم نخورده باقی می‌ماند که باید مجدداً با بیل آن را شخم زد و هرکس تراکتور باید یک تراکتور داشته باشد که چنین امری مقصور نیست. در مورد استفاده از آب هم مشکلاتی به‌بار خواهد آمد که آن هم مزید بر علت می‌باشد).

۳- جمع‌آوری و رساندن محصولات به بازار با زحمت بیشتری همراه خواهد بود و در خواروبی باعث خرابی محصول هم خواهد شد. مثلا اگر دو هکتار خربزه‌کاری داشته باشیم باید سیر کنیم تا بتوانیم یک مانتین پیدا کنیم و جنس خود را به‌بازار ببریم چون دیگران هم که دارای قطعات دیگری در همین حدود هستند احتیاج به ماشین برای حمل و نقل محصول خود دارند. با توجه به‌کمبود وسایل حمل و نقل در روستاها طبیعتاً باید عده‌ای منتظر بمانند تا نوبت حمل محصول آنان فراهم شود. ولی در صورتی که مثلا ده‌هزار زمینهای ۲ هکتاری خود را با هم کشت کنند (زمینهای که در کنار هم قرار داشته باشند) یکبار ۲۵ هکتار محصول پایک وسیله حمل شده و از خرابی و یا حیث و میل محصول خواهد کاست.

۴- سپاسی زراعت در زمینهای قطعه‌قطعه با خرج زیاد و مشکلات فراوانی روبرو است. دست یک کشاورز به‌تهائی نمی‌تواند از پس مخرج کشت برآید چون سرمایه اولیه ندارد و مجبور می‌شود محصول خود را از آن پیش فروش کند و یا وام با بهره زیاد بگیرد و علاوه بر اینها زحمتی که تک تک کشاورزان برای کشت محصول بر روی زمینهای قطعه می‌کنند بسیار زیاد است و چون نیروی بیشتری را صرف می‌کنند به‌همان نسبت بازده

اعتصاب ۲۵ هزار راننده اتوبوس در پایتخت و یکی دیگر از شهرهای بزرگ بوئیل

ریودونزیرو - در روز ۱۵ تیرماه، ۲۵ هزار راننده اتوبوس در ریودونزیرو دست زدند. و به‌همین علت فعالیتها در مرکز به‌اعتصاب زدند. این دومین اعتصاب آنها شهر ریودونزیرو به‌سبب مسورت تضلیل درآمد. در شش‌ماه اخیر است. همکاران آنها همان پلیس و ارتش به‌صحت آمادباش درآمد روز در بیلوویزوتونه سومین شهر بزرگ بوئیل، دست از کار کشیدند. علت اعتصاب رانندگان این دو شهر بزرگ برزیل افزایش عکس‌العملی نشان ندهاده است و لسی در دسترس بود. کارگران تصمیم گرفتند که برای ریودونزیرو دادگاه ایالتی کار این اعتصاب مدت ۲۴ ساعت اعتصاب کنند و اعلام‌داشتند رانندگان را به‌پایه دادگاه این بود که اتوبوس‌رانی شهر به‌درخواست آنها جواب مثبت ندهند، یکی از بخشهای دانسی برای امنیت ملی این مدت را تمدید خواهند کرد. به‌شمار می‌رود و اعتصاب در این بخشها غیر اعتصاب بطور کامل صورت گرفت و در قانونی است.

اعتصاب کارگران باراندازهای فرانسه

کارکنان باراندازهای فرانسه روز دوشنبه باندر فرانسه بسیار اثر کرده است. ۱۸ تیرماه ۵۸ اقدام به‌اعتصاب دوروزه‌ای یک نماینده اتحادیه کارگران باراندازها کردند. دلیل اعتصاب آنها تقاضای افزایش دستمزدها بود. در این حال کارفرمایان باراندازها و مذاکراتی بین اتحادیه‌های کارگری و نمایران از دلگیری گذشته آغاز شده است. همچنین تقاضای باراندازها افزایش دستمزدها و بازنشستی را دربرمی‌گیرد. این اعتصاب یکی باندر فرانسه لطمه خواهد زد.

رهنمود به‌هواداران

بهرتر این وظیفه رهنمودهای زیر دقیقاً باید مورد توجه قرار گیرد.
کلیه نیروهای هوادار سازمان باید از کلیه وسائل ممکن از قبیل پخش تراکت، اعلامیه، روزنامه، پوستر و گفنگو با مردم در کوچه و خیابان و محله‌ها، ترتیب‌دادن جلسات بحث و گفنگو در محلات فقیرنشین، ترتیب‌دادن سخنرانی‌های موضعی در مناطق مختلف بوئیزه محلات فقیرنشین، شرکت در جلساتی که توسط سایر نیروها تشکیل می‌شود و دفاع از منافع کارگران، دهقانان و زحمتکشان در این جلسات و غیره به‌اهداف دراز مدت طبقه کارگر و هدف از شرکت در این انتخابات را برای توده‌های مردم توضیح دهند.
برای پیشبرد و بازدهی بیشتر و بهتر هر چند نفر می‌توانند یک تیم تبلیغ و ترویج تشکیل داده به میان کارگران و دیگر زحمتکشان بروند و به‌بصورت گفنگو و توضیح و تشریح اهدافمان بپردازند. یقیناً شرکت سازمانیافته هواداران سازمان در این انتخابات گام مؤثری خواهد بود در جهت آگاه ساختن توده‌ها و بریدن آگاهی سوسیالیستی و دگرگونی میان آنان و تحکیم پیوندها، با توده‌های زحمتکش در راس آن طبقه کارگر. ماهیت پیش‌نویس قانون اساسی و مجلسی خیرگان را برای توده‌ها افشا کنیم.

ما خواهان حق تعیین سرنوشت برای همه خلقهای ایران هستیم

چه کسانی در مریوان توطئه می کنند

● اهالی مریوان بخاطر اعتراض به کمیته ها و پاسداران، زاد و بوم خود را ترک می کنند

تن از پاسداران زخمی شده عضو «قیاده موقت» هستند. پس از این واقعه حدود صد نفر پاسدار از کرمانشاه به پادگان مریوان منتقل می شوند و صد نفر پاسدار نیز از تهران به مریوان می روند روز یکشنبه ۲۴ تیر در حالیکه شهر آرام بود جلسه ای با شرکت معاونت استانداری کردستان، سمن از اعضای شورای سندسج و تمام گروه های مترقی مریوان تشکیل گردید و قرار شد که پاسداران اعزامی به مریوان به مرکز عزیت کنند و انتظامات شهر به کمیته انتظامات شهر باشد. اما رادیو تلویزیون خیر توافقنامه را بگونه ای تخریف می کند که گویا قرار شده است انتظامات شهر به کمیته پاسداران گذاشته شود.

روز ۲۸ تیر بین شورای موقت شهر مریوان که از ۷ عضو تشکیل شده، با فرمانده پاسداران مستقر در پادگان ملاقاتی صورت می گیرد که طی آن فرمانده پادگان خواستار کنترل شهر بوسیله پاسداران یا ارتش و همچنین عضویت یک پاسدار در شورای شهر می شود. شورای موقت شهر در مورد کنترل شهر با فرمانده پادگان به توافق نمی رسد.

مردم مریوان در برابر این توطئه تصمیم به کوچ کردن از شهر گرفته و آن را عملی ساخته اند. استاندار جدید کردستان کوچ اهالی مریوان را نه تنها از ناچاری آنان بلکه عمدتاً نتیجه تحریکات به حساب می آورد و بجای چاره جویی اصولی، تهدید به استفاده از قدرت می کند. آقای استاندار بجای ایجاد زمینه برای تشکیل شورای شهر (که در مذاکرات ۲۴ تیر مورد موافقت معاون ایشان قرار گرفته بود) برای سرکوب اهالی زمین سازی می کند (اطلاعات - اول مرداد ۵۸ - شماره ۱۵۹۱۱).

به کارگرفتن شیوه ارباب و سرکوب توده های مردم و خلقها گفته از اینکه اساساً مساله ای را حل نخواهد کرد وحشت و یکبارگی خلقها را نیز از بین خواهد برد. ماهیت مجریان چنین شیوهایی را برای توده های آگاه و مبارز افشا خواهد کرد سرکوبی خلق کرد و حمایت آشکار از توطئه ها و مرتجعین، خدمت بی چون و چراهامبرالیم است، که شامانه نظاره گر کامیابی های خویش با کک عاشق نظیر قیاده موقت - پالیزیان، اویسی و ... در منطقه است.

در کردستان فضا به سرعت و یکی پس از دیگری پیش می آید. فضا به توطئه چینی های توطئه ها، عمل رژیم سابق و مرتجعین با همکاری قیاده موقت علیه دهقانان، با تمام مردم زحمتکش و نیروهای مترقی یوسف می پیوندند. در این بین رادیو تلویزیون با تعریف حقایق، آتش این توطئه را تیزتر می کند و تجاوز آشکار را که بر خلق کرد روا می شود وارونه جلوه داده، بجای کمک به حل اصولی مساله، عملاً میکوشد زمینه را برای سرکوب توده های محروم و بیجان آمده منطقه فراهم سازد و افکار عمومی را برای تأیید ناآگاهانه چنین عملی آماده کند.

فاجعه مریوان چگونه به وقوع پیوست؟ چرا مردم مریوان کوچ میکنند؟

عناصر ضد خلقی (عصا رژیم سابق، توطئه ها، قیاده موقت، ...) روز ۲۱ تیرماه، تحت عنوان «سپاه پاسداران انقلاب» متشکل شدند و گروهی بنام «گروه ترور» (با کارتهای عضویتی با همین عنوان که نمونه آن در این شماره چاپ شده است) تشکیل دادند. مردم مریوان بعد از اطلاع از این توطئه که عناصر مرتجع و منفور از جمله قیاده موقت از طراحی آن بودند به اعتراض پرداخته و مسرانه خواستار تعطیل پاسدارخانه کمیته شدند. روز ۲۳ تیرماه همه مردم مریوان: اتحادیه کارگران، اتحادیه دهقانان (یکپیکتی چریکواران)، اتحادیه زنان، جمعیت دفاع از حقوق خلق کرد و بازاریان تظاهراتی بنظیر اعتراض بدروش منفرسانه رادیو تلویزیون بخاطر تخریف اخبار و وقایع برپا کردند. آنان پس از قرائت قطعاتی از ماده ای خود در محل رادیو تلویزیون، در بازگشت، جلوه مقر پاسداران متوقف می شوند و اعلام می کنند که چون این کمیته ماهیت ضد مردمی دارد باید برچیده شود از افراد کمیته میخوانند که به آنها ملحق شده، دست از توطئه و تفرقه بردارند. مأمورین کمیته اعلام موافقت کردند ولی وقتی چند نفر از ریش سفیدان، بازاریان و عده ای از تظاهر کنندگان برای ملحق شدن به آنها بطرف ساختمان حرکت می کنند بسوی آنها شلیک می کنند. دو تن از اعضای اتحادیه دهقانان در جا کشته می شوند. این حادثه خشم مردم را برمی انگیزد و درگیری آغاز می شود و طی مدت درگیری ۷ نفر از پاسداران و سه نفر از مردم کشته و عده ای زخمی می شوند. ۳

یاد فدایی شهید رفیق عباس جمشیدی رودباری گرامی باد



رفیق عباس جمشیدی رودباری یکی از قهرمانان مقاومت در زیر شکنجه های ساواک است. او که از نخستین اعضای تشکیل دهنده سازمان چریکهای فدایی خلق بود و نقشی مؤثری در بازسازی سازمان پس از ضربات سال ۵۵ داشت، به مدت دو سال از اواخر تیرماه سال ۱۳۵۱ که در یک درگیری دستگیر شد (ولی رژیم به دروغ خبر شهادت او را منتشر کرد) تا مردادماه سال ۱۳۵۳ بطور مداوم در زندان کمیته زیر وحشیانه ترین شکنجه ها قرار داشت. سرانجام در خیمان که از مقاومت رفیق بستوه آمده بودند در بامداد دوم مرداد ۱۳۵۳ او را به جوخه اعدام سپردند. اکنون بمناسبت پنجمین سالگرد شهادت رفیق، با چاپ متن وصیتنامه او که پس از قیام اخیر به دست ما افتاده است یاد او را گرامی میداریم.

شده، به تمهیدش عمل کند. راهی را که انتخاب کرده ام بحساب فقدان احساسات خانوادگی ام نگذارید؛ شما فرزندی را بیامرزید که احساسات خانوادگی اش را پای احساسات برتر است بزرگتری فدا کرده است.

همیشه و عمیقاً آرزوی دیدارتان را داشته ام هر چند هم که آرزوی محالی بوده باشد.

بمنوان آخرین سخن اینکه هرگز برایم ناراحت نباشید، زیرا من با شما هم باز راهم را انتخاب کردم.

با بهترین آرزوها آدرس مازندران شیرگاه روبه روی بهداری منزل محسن جمشیدی نماینده دادستانی ارتش - سرگرد علی اکبر نادریان نماینده مذهبی متقی فرمانده گردان زندان ستوان حسن زاده نماینده شهربانی سوانیکم آهنگر نماینده ساواک

وصیتنامه غیر نظامی عباس جمشیدی رودباری فرزند محسن در سحرگاه ۵۳ مرداد پدر و مادر عزیزم

قرار است اینرا بمنوان وصیت شما بنویسم. ولی شاید خودتان هم خوب میدانید وصیت من آنطور که بر طبق معمول نوشته میشود، در یک جمله تمام شدنی است: به هیچکس بدهی و از هیچکس طلبی ندارم. اما اگر وصیت را آنطور که معمول آمدهای سیاسی است بنویسم، چیزهایی برای نوشتن وجود خواهد داشت.

از شما بمنوان پدر و مادر راضی و ممنونم، آرزوی اینست که شما هم از من بمنوان فرزند راضی باشید. اینرا میدانم که بخاطر من خیلی ناراحتی کشیدید، اما این نمیتواند و نباید علت ناراحتی شما از من قرار گیرد. میدانید آخر همه چیز که بخانواده ختم نمیشود، خیلی چیزهای دیگر و آمدهای دیگر هستند که آدم نسبت به آنها تمهید دارد، و اگر بخواهد آدم بماند باید بهر قیمت که

مبارزات کارگران نفت گچساران

● کارگران پیمانی نفت گچساران روزی ۲۷ تومان حقوق می گیرند.

کارگران روز چهارشنبه ۵۸۴۳۶ برای اولین بار دست از کار کشیدند با مسئولین شرکت نفت و رئیس کمیته صنعت نفت (که شش ماهی است و منتخب کارکنان صنعت نفت نیز نمی باشد) به مذاکره نشسته. خواستهای کارگران مورد قبول مسئولین قرار گرفت و آنها قول دادند که تا ۳ روز بعد به کلیه خواستهای آنها عمل شود ولی پس از گذشت یک هفته از مهلت تعیین شده هیچگونه اقدامی انجام ندادند و به همین دلیل کارگران دوباره دست از کار کشیدند. دومین اعتصاب کارگران که دو روز طول انجامید با قول فرماندار گچساران و با حسن نیت کارگران خاتمه یافت.

کارگران پیمانی شرکت نفت گچساران (پیمانکاری زکی بهشتی - حاج رضائیس - فاضل شریعتی - هدایت الله فرخی و ...) که خواستار حقوق پایمال شده شان هستند از مدتی پیش با مسئولین شرکت نفت، اداره کار، کمیته شهر و کمیته صنعت نفت گچساران مذاکره می کردند اما هر بار تنها جواب آنها این بود که: «صبر انقلابی داشته باشید» از آنجا که مذاکرات به نتیجه ای نرسید

کارگران پیمانی شرکت نفت گچساران (پیمانکاری زکی بهشتی - حاج رضائیس - فاضل شریعتی - هدایت الله فرخی و ...) که خواستار حقوق پایمال شده شان هستند از مدتی پیش با مسئولین شرکت نفت، اداره کار، کمیته شهر و کمیته صنعت نفت گچساران مذاکره می کردند اما هر بار تنها جواب آنها این بود که: «صبر انقلابی داشته باشید» از آنجا که مذاکرات به نتیجه ای نرسید

اختناق با چهره های جدید

کمیته جمهوری اسلامی شهر صنعتی البرز (قزوین) بخش و نسب هرگونه اعلامیه ای را در صورتی مجاز دانسته که مهر کمیته انقلاب شهر صنعتی البرز بر آن زده شده باشد این کمیته که اعلامیه خود را خطاب به مسئولین واحدهای تولیدی، نوشته است از آنها درخواست کرده در صورت مشاهده متعلقین آنها را به کمیته معرفی کنند تا اقدامات لازم انجام شود.

متن اعلامیه کمیته جمهوری اسلامی شهر صنعتی البرز یادآور اعمال اختناق آمیز و تهدید نامه های دستگاههای آریامیری است که خود را «قیم» و همه کاره مردم میدانند و بجای آنها بیانیه میدادند و تصمیم می گرفتند. آنچه در پشت پرده عبارات این اعلامیه به چشم می خورد مخالفت عینی با خواستها و اعتراضات برحق کارگران علیه استثمارگران و سرمایه داران است و «اعلامیه» با مطالب قراردادن «مسئولین واحدهای تولیدی» این منا را بخوبی رسانده است.

تحصن دانش آموزان، دانشجویان و معلمین پیشگام در استانداری

بندرعباس - بدنبال دست بردن در مهاجرت پیشگام واقع در خانه فرهنگیان که از طرف اداره آموزش و پرورش و به ترمیم عناصر معلوم الحال و متکوک صورت گرفت که به خاطر تنگ نظری و مواضع طبقاتی شان نمیتواند وجود نیروهای مترقی را در اجتماع تحمل کند، دانش آموزان، دانشجویان و معلمین پیشگام بندرعباس پس از اینکه مذاکراتشان با مدیر کل آموزش و پرورش (در تاریخ ۷ تیرماه ۵۸) و با استاندار (۸ تیرماه ۵۸) به نتیجه ای نرسید، با مطرح کردن خواستهای زیر در استانداری استان ساحلی از تاریخ ۱۱ تیرماه ۵۸ تحصن اختیار کرده اند. خواستها:

بسم الله الرحمن الرحيم
آقره بسم
نام مجاهد مریوانی شفا می
گورده بر روز
رده مسلح
شماره ۴۴
آذنت سر مریوانی
بسم الله الرحمن الرحيم
آقره بسم
نام مجاهد مریوانی شفا می
گورده بر روز
رده مسلح
شماره ۴۴
آذنت سر مریوانی
بسم الله الرحمن الرحيم
آقره بسم
نام مجاهد مریوانی شفا می
گورده بر روز
رده مسلح
شماره ۴۴
آذنت سر مریوانی

مرگ بر امپریالیسم جهانی بسرکردگی امریکا و وابستگانش